

احسن الحال همان ایمان، تقوا، شجاعت سخاوت، آزادگی است

در هنگام تحویل سال همه به فکر خدا هستند و مشغول دعا و ذکر می باشند و همه از درگاه خداوند احسن الحال را می خواهند که «احسن الحال» همان ایمان، تقوا، شجاعت، سخاوت، آزادگی و امثال آن است
است الله تعالی من سکاوم خیر برای ایمن حشر حجته ۱۳۶۱/۱۱/۱۱



فرارسیدن سال جدید حاکی از این امر است که کره خاکی که یکی از مخلوقات فرمانبردار خداست، در طول مدت یک سال، بدون کمترین تخلف و انحراف توانسته است دوره گردش یک ساله اش را طی کند و سر ساعت و دقیقه و ثانیه معین به نقطه اعتدال بهاری رهنمون شود، یعنی زمین عبادت یک ساله خود را با موفقیت انجام داده و از تمامی اطراف و جوانب آن آثار حیات و رویش آشکار شده است.

این تغییرات در عرصه زمین باید ما را به فکر اندازد که آیا انسانها نیز توانسته اند موجبات حیات قلب و جان خود را فراهم سازند؟ آیا نمی توان در لحظه ساعت تحویل سال زمین، به تحویل ساعت جان خود اهتمام ورزید؟ به راستی همانگونه که برای نو کردن لباس و خانه تکانی ظاهری سعی و تلاش می کنیم آیا توانسته ایم ساعات عمر خود را با بهره گیری از ارزش های دینی و اسلامی در فرهنگ عید نوروز؛ هم چون صلۀ رحم و محبت گرایی میان اقوام و آشنایان، در راستای غبارزدایی از دل و جان اقدام کنیم؟ آری وقت آن رسیده است که از دگرگونی طبیعت، عبرت گیریم و از خواب غفلت بیدار شده و کینه توزی، مُد پرستی، مصرف گرایی و دیگر رذایل اخلاقی را از خود بزدااییم.

حقیقت آن است که متأسفانه سبک زندگی غربی در قالب عقلانیت ابزاری و عاری از معنویت، علاوه بر آنکه مناسک سال نو میلادی را به تسخیر خود در آورده و حتی اعتراض پاپ را به فقدان معنویت گرایی در مراسم سال نو میلادی در پی داشته است؛ عید نوروز را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است؛ لذا مصرف گرایی؛ مد گرایی شدید، اشرافیت، تجمل گرایی و غفلت از محرومان و اقشار آسیب پذیر در جامعه اسلامی حاصل تقلید ماکتی از از سبک زندگی غرب است.

حال آنکه فرهنگ ایرانی اسلامی نوروز آموزه هایی ارزشمند منطبق بر سبک زندگی اسلامی را در خود جای داده است

که معنویت گرایی، خانواده محوری با رویکرد عاطفه و محبت ورزی و حمایت فراگیر از اعضای خانواده به نحو عام، تقویت روحیه سیر و سفر در دامان طبیعت و تعمیق معرفت و شناخت به عظمت الهی از جمله آن به شمار می آید.

با این تفاسیر می توان عید نوروز را بسیار متمایز از سایر اوقات گذراند و با طرح و انتقال ارزش های دینی هم چون فرهنگ اصیل مهمانی در اسلام؛ به آثار و فواید بی بدیل آن دست یافت؛ لذا شیوع نوع خاصی از دیدو بازدید در جامعه به ویژه در عید نوروز در قالب دوره می چند دقیقه ای و کلیشه ای و مباشرت ساده و صرفاً کلامی و البته کم اثر، صلۀ رحم از نوع یک بار مصرف و مغایر با سبک زندگی اسلامی به شمار می آید. در حالی که صلۀ رحم مطلوب و مورد تأکید اهل بیت (ع)، بر مبنای رویش افکار و اندیشه های اعضای فامیل و اقوام و آشنایان تاکید دارد؛ و بر ارتباطات همگرایانه در بین اقوام و آشنایان بنا شده است.

از سوی دیگر باید اذعان کرد روزمرگی و تسلسل فکری در زندگی، بی معنایی در جوامع بشری پدید آورده است، لیکن فرارسیدن نوروز به عنوان روز نو، پایانی است بر تسلسل زمانی، لذا ایجاد انقطاع زمانی در نوروز معنازایی در زندگی را ارتقا می بخشد و اینچنین معنا را در عصر سیطره نهیلیسم و افسردگی، نهادینه می سازد که از این طریق، بحران های متعدد روحی و روانی از جامعه رخت بر می بندد.

لذا ایجاد شادی در بین آحاد مردم، به عنوان مهمترین هدیه بهار برای جامعه قلمداد می شود؛ اینگونه است که اسلام به خوبی بر عید نوروز صحنه می گذارد و حتی به آن رنگ و بوی اسلامی می دهد زیرا کارکردهای متعدد معنازایی و هویتی نوروز در گسترش معنویت گرایی در نهاد خانواده و به تبع آن در جامعه غیر قابل انکار است.

با این تفاسیر باید گفت عید نوروز، مسافرت گرایی و کارکرد ارزشمند ارتباط با طبیعت

را در درون آدمی احیاء می کند به نحوی که مردم سختی سفر را به جان می خردند و با ترک منازل خود در شهرها به عنوان مظاهر تمدنی در ایجاد آسایش و رفاه؛ به سوی روستاها (بخوانید سنت)؛ و کوه و دشت و بیابان روانه می شوند تا اینچنین در راستای بازگشت به اصل وجودی خویش در قالب تجدد گریزی و خانواده گرایی، به آرامش پایدار دست یابند.

هم چنین عید نوروز بسط و گسترش فرهنگ ایرانی اسلامی در قالب همگرایی اقوام و مذاهب مختلف و نیز تقویت مولفه های زبانی است که از فروپاشی و تضعیف خانواده و جامعه جلوگیری خواهد کرد.

در تبیین این مسأله می توان به نقش عید نوروز در احیای هویتی و فرهنگی زبان فارسی و مقابله با آثار مخرب زبان های بیگانه اشاره کرد لذا جشن نوروز در میان مردم از تبعات و پیامدهای موجود در جهانی شدن و ترویج زبان انگلیسی و گسترش فرهنگ آنگلو ساکسون در جامعه اسلامی جلوگیری خواهد کرد.

از این جهت است که عید نوروز از جمله مولفه های کلیدی در مقابله با جهانی شدن به شمار می رود زیرا وقتی معنا در اوج قرار می گیرد بر لفظ غالب شده و آن شیرینی معنا به لفظ سرایت می کند، از این رو عید نوروز به عنوان یکی از مظاهر معنازایی، موجب می شود تا در سایه کاهش ارتباطات جمعی و ترک روز افزون فضای مجازی، ارتباطات انسانی به رشد و تعالی منتهی شود و اینگونه زبان فارسی در وهله نخست در جامعه به جایگاه واقعی خود نائل آید، سپس به عنوان زبان میان فرهنگی و سازگار بر تنوع و تعدد فرهنگی در جوامع مختلف بر جهانی سازی [۱] فائق آید.

همه این امور نشان دهنده ظرفیت های بی نظیر عید نوروز در بازتولید معارف اسلامی و ارتقای فرهنگ معرفتی مردم است که در نهایت سبک زندگی اسلامی را رقم خواهد زد.

[۱] Globalization



ماجرای نامه الکترونیکی خبری - تحلیلی تبلیغ سال چهارم شماره بیست و هفتم فروردین ماه ۱۳۹۷

- ۲ فهرست
- ۲ طلایعه سخن
- ۲ پیام ها و بیانات
- ۴ دیدارها
- ۸ گزیده سخنان
- ۱۱ فن آوری اطلاعات
- ۱۳ یادداشت
- ۲۰ پرونده ویژه
- ۲۸ مقاله
- ۳۳ معرفی کتاب
- ۳۶ مؤسسات وابسته
- ۳۸ معارف اسلامی
- ۳۹ سؤالات شرعی
- ۴۴ میلاد امیرالمؤمنین علی علیه السلام

MAKAREM.IR



مناصب: مدیرعامل: بابک گداز، مدیرعامل: علی دقتیور
حضرت آیت الله العظمی حکیم شیرازی مدظله العالی
نشانی: قائم خانیان شهیدان کوی ممتاز
گنجینه شماره ۷۷، پلاک ۲۴
وبسایت: makarem.ir
پست الکترونیکی: info@makarem.ir
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۲۲۲۲۱-۳۷۷۲۴۸۱۹
فکس: ۰۲۵۳۷۸۲۹۶۳۴





توضیح لازم

اخیراً در اخبار بعضی از رسانه‌ها آمده بود که معاون رئیس جمهور در امور زنان گفته است که درباره ورود زنان به ورزشگاه‌ها، خدمت حضرت آیت الله العظمی مکارم رسیدم و توضیحاتی دادم و ایشان نسبت به این موضوع قانع شدند. به اطلاع همه مخاطبین عزیز می‌رساند که این خبر به طور کامل دروغ و کذب محض است و نامبرده ملاقاتی با معظم له نداشته و گفتگویی نکرده است و راستی مایه تعجب است چگونه چنین دروغ‌هایی در عصر و زمانه ما گفته می‌شود و چرا قبح و زشتی دروغ اینقدر از میان رفته است با اینکه دروغ از بزرگ‌ترین گناهان کبیره از نظر آموزه‌های اسلامی و سرچشمه انواع گناهان است.

پیام تسلیت حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

به مناسبت درگذشت آیت الله شاه آبادی

خبر درگذشت عالم فرزانه، مرحوم مبرور آیت الله حاج شیخ نصر الله شاه آبادی (قدس سره) موجب نهایت تأسف گردید. او که انسان فرهیخته از بی‌تی شریف و خدوم بود، عمر با برکت خود را در جهات مختلف برای نشر اسلام و مکتب

اهل بیت (علیهم السلام) سپری کرد و آثار گرانبغلی از خود به یادگار گذاشت. اینجانب این ضایعه اسفناک را به بیت شریف و گرانمایه مرحوم آیت الله شاه آبادی و فرزندان و برادران ایشان و حوزه‌های علمیه و تمام علاقمندان آن عالم بزرگوار تسلیت عرض می‌کنم و علو درجات آن فقید سعید و صبر و اجر جمیل برای بازماندگان از درگاه خداوند لایزال مسئلت دارم.



استاندار کرمانشاه

پیام معظم له به همایش مقابله با جریان های افراطی و خشونت گرا



خبرگزاری رسا

نماینده ولی فقیه در سپاه قم



معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات

رئیس صلیب سرخ جهانی



رئیس و کارمندان بانک تجارت قم

مدیر مجتمع آموزشی بنت الهدی و گروه فقه و اصول

❖ **عزاداری ها نباید در ذکر مصیبت خلاصه شود / باید سبک زندگی و اخلاق برجسته اهل بیت (علیهم السلام) را تبیین کرد**

یکی از رحمت های الهی این است که در توبه را بر بندگان باز کرده است، اگر این توبه نبود مردم آلوده و ناامید می شدند چون وقتی در توبه باز باشد نسبت به آلوده نشدن خود تلاش می کند و اگر گناهی انجام داد امید به بخشش الهی دارد که البته شرایطی دارد که از جمله آن جبران گذشته است

❖ **مسئولان مراقب عرفان های کاذب باشند**

مسئله مهم اینجاست که بارها گفته ایم عرفانهای کاذب سر از مسائل خطرناک دینی و اجتماعی و اخلاقی در می آورند که یک نمونه اش همین حادثه دردناک تهران بود. این جنایت تا کنون در کشور ما سابقه نداشت که شخص تبهکاری سوار ماشین شود و مردم بیگناه و مدافع امنیت را زیر بگیرد و به قتل برساند. آری این عارفان کاذب این بدعت را به نام خود ثبت کردند

❖ **عده ای با هجمه به اعتقادات و احکام در صدد تضعیف نظام هستند / عدم اکراه در دین به معنای آزادی مطلق و شکستن خط قرمزها نیست**

اگر افرادی در ملاً عام کارهای خلاف انجام دهند حکومت و آحاد مردم از باب فریضه نهی از منکر مأمور هستند، مردم باید با زبان نهی کنند و حکومت باید با استفاده از موقعیت خود، نهی از منکر داشته باشد، اگر شرب خمر و رشوه خواری و گناهان علنی باشد باید جلوی آن گرفته شود و بی حجابی نیز از همین قبیل است

❖ **مسئولان به غرب بدبین باشند و اعتماد نکنند**

نسبت به دنیای کنونی که این گردن کلفت ها بر آن حاکم هستند باید بدبین بوده و اعتماد نکنیم والا ضربه خواهیم خورد چون به صورت کلی نمی توان جلوی کار آن ها را گرفت مگر این که بشریت در برابر زورگویان قیام کنند و آن ها را سر جای خود بنشانند

❖ **مسئولان به فکر مناطق آسیب پذیر باشند / کمک رسانی به زلزله زدگان مشمول مرور زمان نشود**

مسئولان دولتی باید به فکر مناطق آسیب پذیری مانند کرمانشاه باشند، بناهای فرسوده بلای بالقوه هستند که باید در تمام ایران فکری برای آن کرد

❖ **باید تمام مسائلی که در حوزه واقع می شود را رصد کنید**

امروز حرف اول را رسانه ها می زنند و رسانه هایی که زودتر، بهتر و قوی تر بتوانند وارد عرصه شوند برنده هستند، باید کاری کنیم که از رسانه های جهان عقب نمانیم و بتوانیم فعالیت های خوبی داشته باشیم.

❖ **آسیب ها و فرصت های عید نوروز**

دید و بازدیدها که خانه تکانی قلبی به شمار می رود از دیگر فرصت ها است تا افراد کینه ها را فراموش، و آشتی کنند؛ توجه به صلح و صلح دوستان بسیار مهم است.

تولید موشن گرافیک

باموضوعات مناسبتی برگرفته از بیانات معظم له

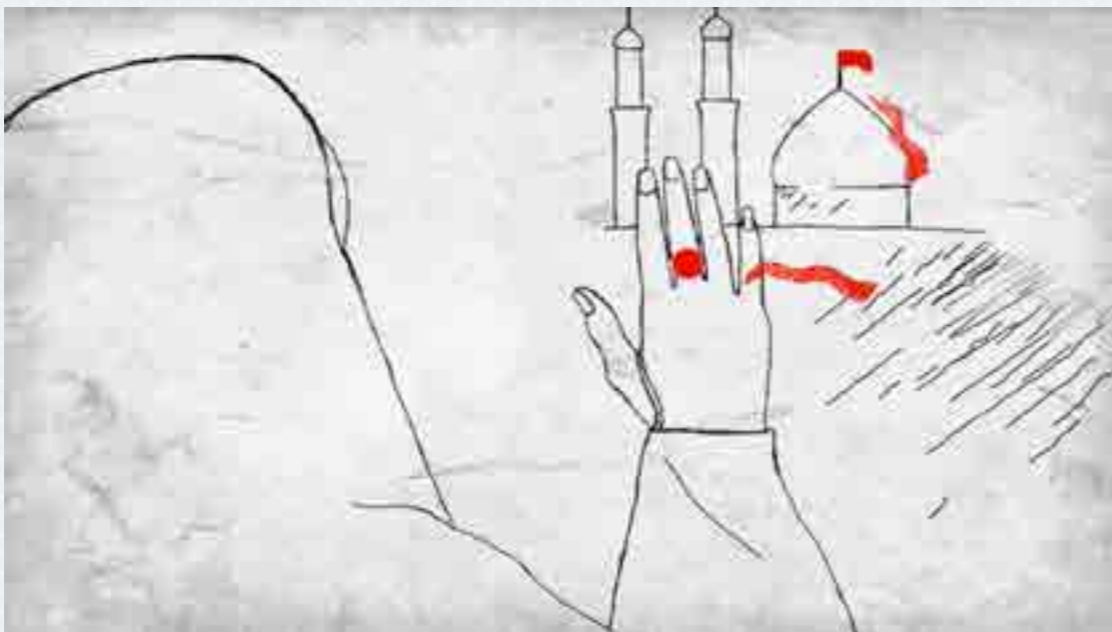
موشن گرافیک با زمان آماده سازی به مراتب کم تر از انیمیشن و با زیبایی بصری بالا و ساده سازی مفاهیم پیچیده، امروزه تبدیل به یکی از ارکان اصلی و مهم ترویج فرهنگ و تبلیغ محصول شده است. هنری که پویایی انیمیشن و نماد گرایی گرافیک را توأم دارد.

موشن گرافیک هنری برای تمام سنین است. چرا که ساده گی را در راستای کار خویش قرار داده و باعث گشته تا سنین پایین در جذابیت آن و بزرگ سالان در مفاهیمش غوطه ور گردند. موشن گرافیک ابزاری ست که علاوه بر مستقل بودن می تواند در خدمت هنرهای دیگر باشد و در جهت بیش تر مفهوم ساختن آن ها گام بردارد.

از این رو در راستای گسترش مفاهیم ناب اهل بیت علیهم السلام، مرکز فناوری اطلاعات به منظور تسهیل در برقراری ارتباط با مخاطبان پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله مکارم شیرازی از موشن گرافیک به مثابه ی ابزاری در انتقال مفاهیم فرهنگ ناب شیعه اثنی عشری استفاده می نماید و تا کنون توانسته است متناسب با موضوعات و رویدادهای مناسبتی، گزیده ای از بیانات گرانسنگ معظم له که برگرفته از گفتار معصومین علیهم السلام است را با

تکنیک های مختلف آن، تولید و منتشر نماید. برخی از این موضوعات عبارتند از:

- * اهمیت اربعین
- * وظائف جاماندگان اربعین
- * حضور زنان در اربعین
- * اهمیت صلوات به مناسبت میلاد پیامبر (صلی الله علیه و اله)
- * نقش مؤثر حضرت زینب در قیام عاشورا به مناسبت میلاد حضرت زینب (سلام الله علیها)
- * توضیحی درباره حدیث رفع القلم به مناسبت آغاز امامت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- * ضرورت تبعیت از رهبری فرزانه انقلاب به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
- * لزوم تعظیم شعائر فاطمی و برپایی عزاداری به مناسبت شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)
- * اهمیت امر به معروف در هدایت جامعه به مناسبت ایام فاطمیه (سلام الله علیها)



نقش و جایگاه شیخ طوسی در تحول و گسترش علوم اسلامی

از منظر معظم له



بی تردید شیعه، در پیدایش و گسترش علوم اسلامی نقش مؤثری داشته است، بعضی معتقدند که علوم اسلامی از آنها نشأت گرفته، حتی کتاب یا کتاب هایی در این زمینه نوشته شده و اسناد و مدارکی ارائه داده اند، ولی ما می گوئیم حداقل، آنها در پدید آوردن این علوم سهم بسزایی داشته اند، و بهترین شاهد و گواه این مسأله کتاب هایی است که از علمای شیعه در علوم و فنون اسلام دیده می شود.

لذا ده ها هزار کتاب از سوی علمای شیعه درباره عقائد اسلامی و فقه و اصول و تفسیر و

حدیث و فلسفه و رجال و درایه و تاریخ اسلام تألیف و چاپ و منتشر شده است. که بسیاری از این کتاب ها هم اکنون در کتابخانه های ما و کتابخانه های معروف دنیا موجود است و در معرض دید همگان قرار دارد.

در این بین یکی از دانشمندان معروف شیعه نام ده ها هزار کتاب از کتب علمای شیعه را با ذکر مؤلفین آنها و شرح کوتاهی درباره هر یک ذکر کرده. و روشن می سازد که تا چه مقدار دانشمندان و علمای شیعه به علوم اسلامی خدمت کردند؛ و چگونه تصانیف بسیار گرانبهایی

در همه فنون اسلامی و علوم بشری از خود به یادگار گذاردند.

مطالعه وضع نهضت علمی اسلام که از همان قرن نخستین آغاز شد، و در قرن دوم و سوم هجری بارور گردید، نشان می دهد که محیطهای اسلامی رنگ دیگری داشت، چرا که این نهضت به زودی موجب پیدایش دانشمندی، چون «حسن بن هیثم» فیزیکدان معروف اسلامی و «جابر بن حیان» که غربی ها به او «پدر علم شیمی» نام داده اند، و ده ها تن مانند آنها شد.

البته نباید فراموش کرد که سهم

دانشمندان و متفکران ایران در نهضت علمی اسلام بیش از دیگران بود که در سایه عقیده مذهبی چنین جنبش علمی بزرگی محقق شد؛ جنبشی که به اعتراف همه مورخان شرق و غرب یک جنبش علمی وسیع را در جهان برانگیخت، که اثر آن در رنسانس و نهضت علمی اروپا به خوبی مشهود است.

حقیقت آن است که ما قبل از اسلام، دانشمند در تاریخ مملکتیمان بسیار کم داریم، اما پس از ظهور اسلام می بینیم متفکرین و دانشمندان بزرگی همچون بوعلی سیناها، زکریاها، خواجه نصیر الدین طوسی ها، پس از اسلام پیدا شدند؛ و این خدمتی است که اسلام به علم و اندیشه همه مردم دنیا مخصوصاً به ما جمعیت ایرانیان کرد و افکار خفته را زنده کرد؛ البته نژاد ایرانی استعداد و لیاقت فراوانی داشت اما می بایست پرورش یابد.

در این میان مرحوم شیخ طوسی از بزرگترین محدثان، فقیهان و مفسران شیعه است که شایسته است نقش آن عالم شهیر شیعه و مؤسس حوزه علمی نجف اشرف در پیدایش و گسترش علوم اسلامی به خوبی مورد واکاوی قرار گیرد.

هجرت به بغداد

بزرگ دانشمند و پایه گذار دانشگاه دیرینه شیعه در نجف، مرحوم محمدبن حسن طوسی، در سال ۳۸۵ در طوس دیده به جهان گشود و برای تکمیل تحصیل در سال ۴۰۸ عازم بغداد شد و از جلسات درس دو عالم معروف شیعه در قرن پنجم اسلامی (مرحوم شیخ مفید و سیدمرتضی علم الهدی) استفاده فراوانی نمود

شیخ طوسی و تأسیس حوزه علمیه نجف

تأمل در حوادث سال ۴۴۱ هجری و بعد از آن وضع ناراحت کننده ای که برای شیعه اهل بیت از کشتن، آزار رساندن، و سوزاندن کتابخانه های آنها، به وجود آمد، شیخ طوسی را ناچار ساخت در سال ۴۵۰ از بغداد به نجف اشرف مهاجرت کند، و حوزه نجف را تأسیس نماید. البته بغداد از آن زمان تا وقتی که فتنه و آشوب و درگیری آنجا را فرا گرفت مرکز تشیع بود.

شیخ طوسی؛ زعیم و مرجع علمی و دینی شیعه

گفتنی است از زمانی که شیخ طوسی به اجبار از بغداد به نجف اشرف هجرت کرد. شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی، از شاگردان برجسته شیخ مفید و سید مرتضی بود و مدت زیادی را نزد آنان شاگردی کرد. وی به مدت ۲۳ سال ملازم و همراه سید مرتضی بود، تا آنکه پس از ارتحال سید مرتضی، زعامت پیروان مکتب اهل بیت را بر عهده گرفت و از همه جا به سوی وی می آمدند.

لذا ریاست علمی و مرجعیت شیعه به او انتقال یافت؛ در عظمت و موقعیت علمی او همین بس که از طرف خلیفه عباسی «القائم بامر الله» با همه مخالفتهایی که با مرحوم شیخ طوسی داشت، کرسی مخصوصی به وی داده شد که روی آن بنشینند و به تدریس بپردازد.

تفسیر تبیان؛ نشانه ای محکم بر وسعت فکری و معرفتی شیخ طوسی

بدیهی است موفقیت شیخ در میان علمای اسلام بسیار کم نظیر است؛ وی آثار گرانبهایی از خود در تفسیر، کلام، فقه، اصول و حدیث و غیره به یادگار گذارده است. تنها کتاب تفسیر وی به نام «التبیان» گواه محکمی بر قدرت فکری و وسعت اطلاع وی می باشد.

«تهذیب الاحکام»؛ مهم ترین مجموعه روایی و سومین کتاب از کتب اربعه شیعه شیخ طوسی کتاب «تهذیب الاحکام» را به درخواست شاگردان حوزه درس خود به عنوان شرح بر رساله «مقنعه» استاد خود «مفید» نوشت. این سومین کتاب از چهار کتاب معروف شیعه می باشد. وی در این کتاب غالباً آن قسمت از احادیثی را که مرحوم کلینی و صدوق موفق به جمع آوری آنها نشده بودند از کتابهای معروف شیعه که در زمان پیشوایان معصوم به وسیله شاگردان آنان نوشته شده بود جمع آوری نموده و به نام «تهذیب الاحکام» در ۳۹۳ باب منتشر ساخت؛ شماره احادیث این کتاب (۱۳۵۹۰) می باشد.

انگیزه شیخ طوسی از نگارش «الاستبصار»

دومین کتاب آن عالم شهیر شیعه که چهارمین کتاب از کتب اربعه می باشد همان «الاستبصار» است.

وی در این کتاب همت خود را بر توضیح و تشریح اخباری معطوف داشته است که در آغاز نظر، فهم آنها برای یک فرد محدث و یا مجتهد مشکل و پیچیده می رسد و چه بسا میان دو خبر، یک نوع اختلاف احساس می کند؛ او با فکر بلند و اطلاعات وسیع خود در این کتاب کوشیده که هر نوع ابهام و اختلاف را از چهره احادیث برطرف سازد. این کتاب دارای ۹۲۵ باب و شماره احادیث آن (۶۵۳۱) می باشد.

مروری بر «مصباح المتهدج» شیخ طوسی (ره)

در طول تاریخ شیعه، جمعی از بزرگان به گردآوری دعاها و زیاراتی که از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام صادر شده، پرداخته اند تا همه عاشقان راز و نیاز با خدا و شیفتگان زیارت اولیاءالله را از این چشمه جوشان معنویت، سیراب سازند که از میان آنها، شیخ الطائفه شیخ طوسی مؤلف کتاب «مصباح المتهدج» از جمله آن بزرگان به شمار می آید.

«مصباح المتهدج» از جمله کتب معتبر در مضامین ادعیه شیعی به شمار می رود؛ زیرا شیخ طوسی (ره) اهتمام فراوانی داشتند تا بدون مدرک چیزی را نقل نکنند و اگر دعا یا زیارتی از انشای نفس ربانی و ملکوتی خودشان است به آن تصریح نماید. ایشان به هنگام نوشتن ادعیه، کتب فراوانی را در اختیار داشته است که با اقتباس از آن، چنین اثری از خویش به یادگار گذاشته است.

آثار فقهی شیخ طوسی در بیان «تأسیس الشیعه»

مؤلف کتاب گرانبهای تأسیس الشیعه در تبیین مقام شیخ طوسی این گونه می گوید: شیخ الطائفه أبو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی (م ۴۶۰)؛ شیخ طوسی، شیخ الطائفه علی الاطلاق است. امام فقه و حدیث و تفسیر و کلام است.

کتابهایی در اسلام تصنیف کرده که پیش از او کسی مثل آنها را تصنیف نکرده، از جمله کتاب «مبسوط» که حاوی فروع مستنبطه از اصول فقهیه است، کتابی است عظیم و مفصل در فقه. کتاب دیگر ایشان کتاب «خلاف» است، که یک کتاب فقهی است و به ترتیب کتب فقه مرتب شده و مسائل مورد اختلاف فقهای اسلام در آن (با ذکر ادله) مطرح شده است ... کتاب دیگر او نهیاً است که در همه ابواب فقه به ترتیب کتابهای فقهی نگاشته است. و همه این ابواب

درباره فروعی است که از احادیث اهل بیت علیهم السلام استنباط شده، کتاب فشرده دیگری در فقه دارد به نام الجمل «،

نقش کلیدی شیخ طوسی در فرایند عقل گرایی در فقه شیعه

به نظر می رسد مهم ترین علت پیدایش تفکر اخباری گری، سخت گیری جمعی از فقها در امر حدیث و توجه بیشتر به عقل و استدلالات عقلی بود. به واقع گرایش شدید به اخبار را می توان عکس العمل شدید در برابر عقل گرایی مرحوم محقق اردبیلی و شاگردان و پیروانش دانست.

در گذشته جمعی از فقها در استنباطات خویش فقط به کتاب و سنت توجه داشتند و از ورود عقل به مباحث فقهی برای دوری جستن از عمل به قیاس و رأی- اجتناب می کردند، ولی برخی دیگر از فقها، مانند عمّانی و اسکافی، از استنباط عقلی در مسائل شرعی و فقهی بهره ها می گرفتند، تا اینکه شیخ مفید و شیخ طوسی با بهره گیری از هر دو مکتب، تعادلی میان آن دو روش برقرار ساختند و این خط و مسیر، سالها ادامه داشت.

محقق طوسی؛ عالم عامل

بی شک علما و استوانه های علمی که علوم مختلف را به ما آموختند، خود قبل از همه عامل به آن بودند، همانگونه که در کلام حضرت علی (علیه السلام) می خوانیم که فرمودند: «ایها الناس ائی و الله ما احثکم علی طاعة الا و اسبقکم الیها و لا انهاکم عن معصية الا و اتناهی قبلکم عنها؛ ای مردم به خدا قسم شما را به کار نیک و طاعتی ترغیب و تحریص نمی کنم، مگر این که در انجام آن بر شما سبقت می گیرم و از معصیتی نهی نمی کنم مگر این که قبل از شما از آن دوری می جویم».

پیروان راستین این بزرگان هم چنین هستند، تأمل در احوالات شیخ طوسی

مؤید این مدعاست ، لذا گفته اند وقتی مصباح المتهجد که کتاب دعا و زیارت و نماز و ذکر مثل مفاتیح الجنان است را نوشت اول خود عمل کرد و یک بار هم اهل خود را مأمور کرد چنین کنند و سپس به مردم ارائه کرد.

نقش بی بدیل شیخ طوسی در تحول و پویایی فقه

دوره تحول فقاقت و اجتهاد از عصر شیخ طوسی (م ۴۶۰) آغاز می شود، در ابتدا شیخ طوسی کتاب فقهی خود همانند گذشتگان به صورت مختصر و با استفاده از متن روایات و بدون تفریعات گسترده نوشت که از جمله کتاب «نهایه» بود.

سپس شیخ طوسی با مهارت در علوم مختلف اسلامی از جمله تفسیر، رجال، اصول و فقه، تحوّل تازه ای را در فقه اسلامی ایجاد کرد. در عصر وی، کتب فقهی از شیوه مرسوم که به صورت تدوین نصوص بود، تغییر یافت و فروع تازه ای بر آن افزوده شد. در همه این فروع به طور کامل از استدلال به روایات و قواعد اصول عقلی استفاده گردید.

شروع این تحوّل، از ناحیه شیخ طوسی با نوشتن کتاب مبسوط آغاز شد. وی در مقدمه کتاب مبسوط آورده است که:

«پیوسته مخالفان، ما را تحقیر کرده و می گویند: آنها فروع و مسائل اندکی در فقه دارند و ادعا می کنند کسانی که به قیاس و اجتهاد (به معنای خاص نزد اهل سنت) عمل نمی کنند، نمی توانند تکثیر مسائل نمایند و بر اساس اصول کلیه، تفریع فروع کنند».

سپس می افزاید: «من از گذشته به انجام این کار علاقه مند بودم، ولی کم رغبتی طایفه امامیه، مرا از انجام آن منصرف می ساخت، زیرا امامیه اخبار فراوانی در اختیار داشتند و در مسائل، از الفاظ صریح و روایات بهره می بردند، به گونه ای که اگر کسی آن الفاظ را تغییر می داد و از لفظ دیگری به جز روایت، برای رساندن مقصود خویش بهره می گرفت،

تعجب می کردند. از این رو، نخست من کتاب «نهایه» را به همان شیوه مرسوم نوشتم، تا از نوشتن کتاب مبسوط (به شیوه تازه) شگفت زده نشوند».

این کلمات شیخ در «مبسوط» به خوبی نشان می دهد که وی برای انتقال از دوره دوم فقه، به دوره سوم، کار بزرگی انجام داد و تحوّل عظیمی به وجود آورد.

شاخصه های تحول فقاقت در روش شناسی فقهی شیخ طوسی

بدیهی است مرحوم شیخ طوسی در نگارش جدید مسائل فقهی سنت گذشتگان را در تدوین کتب فقهی کنار گذاشت و با استفاده از قواعد و اصول کلی به تفریع فروع پرداخت و از تقیید به متن روایت (نه محتوای آن) در تدوین مسائل فقهی خارج شد و فصل تازه ای را در تدوین کتب فقهی امامیه باز کرد.

هر چند پیش از شیخ طوسی کتابهایی در فقه مقارن نوشته شده بود، ولی وی با نوشتن کتاب «خلاف» به طور گسترده تری وارد این عرصه شد و مسائل مورد اختلاف مذهب امامیه و مذاهب اهل سنت را مورد توجه قرار داد و به مسأله فقه مقارن به صورت گسترده تر توجه نمود.

از سوی دیگر تا زمان سید مرتضی، امامیه در مسائل فقهی به اجماع استدلال نمی کرد و تنها اهل سنت از آن بهره می گرفت؛ ولی از زمان سید مرتضی و مخصوصاً از عصر شیخ طوسی، نزد امامیه، ورود «اجماع» به ادله فقه به عنوان یکی از ادله مورد پذیرش قرار گرفت، هر چند حجیت آن را از راه «لطف» و مانند آن می دانستند.

گفتنی است شیخ طوسی با نوشتن کتاب ارزشمند و مهم خود به نام عدّه الاصول عرصه جدیدی را در علم اصول و ورود گسترده «علم اصول فقه» به عرصه فقه گشود. این کتاب سالها به عنوان کتاب درسی در حوزه های علمیه امامیه مورد استفاده قرار گرفت. مرحوم سید مهدی

بحر العلوم (م ۱۲۱۲) درباره این کتاب می نویسد: «این کتاب بهترین کتابی است که در علم اصول نوشته شده است»، از ثمرات مهم این اثر، اثبات حجیت خبر واحد است؛ زیرا پیش از شیخ طوسی، ادعای اتفاق می شد که جز به خبر قطعی نمی شود عمل کرد؛ ولی شیخ طوسی نخستین کسی است که اثبات کرد، اخبار آحاد اگر روایانش افراد موثقی باشند حجیت دارد و ادعا کرد که عمل اصحاب به روایات همین گونه بوده است.

شیخ طوسی افزون بر تدوین کتابی در علم اصول، با تدوین کتابهای رجالی و موسوعات حدیثی، خدمت بزرگی به فقه در مسیر استنباط احکام کرد و دیگر عناصر لازم برای استنباط احکام را فراهم کرد.

تأثیر شخصیت شیخ طوسی بر فقه و آرای فقهای پس از خود

سالها افکار شیخ طوسی بر فقه شیعه سایه افکنده بود و به سبب نفوذ فوق العاده علمی شیخ، کسی با وی مخالفت نمی کرد، لذا شخصیت فقهی شیخ طوسی بر آرای فقهای پس از خود از نیمه قرن پنجم تا پایان قرن ششم سایه افکند و به سبب عظمت علمی شیخ طوسی، اّبهتی از وی در میان فقهای امامیه به وجود آمد؛ به گونه ای که تا سالها فقیه مستقلی که بتواند بر خلاف نظرات شیخ فتوا دهد، یافت نشد. قداست علمی او سبب شد تا بیش از صد سال کمتر کسی جرأت مخالفت با نظراتش را داشته باشد. فقهایی که پس از وی کتابی می نوشتند، مرجع علمی آنها کتابهای شیخ بود و همان را به بیانی دیگر نقل می کردند؛ به این سبب این عصر، دوره تقلید از افکار شیخ و رکود در فقاقت و اجتهاد نام گرفت.

تأثیر شیخ طوسی در تحول اصول فقه

مقام بارز علمی شیخ طوسی به ویژه در تحول علوم مختلف اسلامی هم چون

اصول فقه موجب شد تا دیگر علما نیز به تبع شیخ طوسی به علم اصول توجه ویژه ای داشته باشند؛ لذا از عنصر عقل در استدلالات، بهره بیشتری گرفته شد و ابن زهره، بخشی از کتاب غنیه را به علم اصول اختصاص داد. وی در عرصه های مختلف به طور روشن بر عقل اعتماد کرد. همچنین سدید الدین حمصی (م ۵۸۸) نیز کتابی به نام المصادر فی اصول الفقه نوشت.

هم چنین قطب الدین راوندی (م ۵۷۳) کتابی با نام فقه القرآن نوشت و شیخ طبرسی نیز در تفسیر مجمع البیان به این مسأله توجه خاصی کرد.

وامداری غرب به اسلام در سایه نقش آفرینی شیخ طوسی در نجوم

بی شک مطالعه کتابهایی که درباره تأثیر علوم و دانشهای شرقی مخصوصاً علوم اسلامی در جنبش علمی اروپا و به اصطلاح «رنسانس» و فهرست بدهکاری های غرب به مشرق نوشته شده، این واقعیت تلخ را به ما می فهماند که هر قدر به عقب بر گردیم می بینیم غربیها با صراحت و انصاف بیشتری درباره تأثیر عمیق این علوم و دانشها در «نهضت علمی اروپا» بحث می کنند.

در این زمینه مستر «بارون کارول دوو» در یادداشتهای خود درباره «اخترشناسی» مسلمانان و فعالیتهای دانشمندان اسلام در نجوم و اخترشناسی مخصوصاً کوششهای ارزنده و بی سابقه خواجه نصیر الدین طوسی و تأسیس رصدخانه مراغه و دقت ابزار و آلات نجومی که در آن رصدخانه به کار رفته بود، و اکتشافات گوناگونی که در این علم نصیب آنها گردید به تفصیل سخن می راند و تصریح می کند که: «آلات نجومی که در مراغه ساخته می شد فوق العاده قابل تحسین بود».

سخن آخر: نگذاریم نقش علمای شیعه در پیشرفت اسلام نادیده گرفته شود

در خاتمه باید گفت برخی کتب بزرگان دین مانند شیخ طوسی بیش از هزار سال است که در حال استفاده هستند و ماندگار شده اند که نشان می دهد پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) نقش مهمی در پیدایش علوم اسلامی دارند. لذا شایسته است خدمات ارزنده ائمه و عالمان برجسته را روشن سازیم و با برگزاری کنگره، موسوعه ای با ۳۰ تا ۵۰ جلد در خصوص نقش شیعه در پیدایش نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم به جهان اسلام تقدیم کنیم تا مشخص شود که شیعه ستیزی تا چه اندازه دور از منطق و حقیقت است.

از این رو در این کنگره با دعوت از صاحب نظران حوزوی و خارج از حوزه و مراکز علمی به جهان ثابت خواهیم کرد که ائمه و علمای این مکتب بیشترین خدمت را به علوم اسلامی کرده اند؛ اکنون میدان عمل برای صاحب نظران و مراکز علمی و تحقیقاتی گشوده است که امیدواریم همه در شکل دهی به یک دایره المعارف بزرگ در تاریخ اسلام باقی بماند.

مروری بر زندگانی حضرت ام البنین (سلام الله علیها)

از منظر معظم له

بی شک پیشرفت اسلام مرهون ایثار و فداکاری های زنان بزرگ و با شخصیتی همچون حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، بانوی اسلام حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) است لیکن در این میان باید از جمعی از زنان شجاع یاد نمود که برای پیشرفت اسلام و اجرای حق و عدالت بزرگترین فداکاری را به خرج داده اند و با ایمانی محکم و تفکری عالی، مردان و فرزندان خود را با تمام وجود در این مسیر حمایت کردند که حضرت ام البنین (سلام الله علیها) به عنوان همسر امام علی (علیه السلام) و مادر چهار شهید کربلا از جمله آن زنان شجاع و فداکار به شمار می رود.

از دواج امیر المؤمنین علی علیه السلام با ام البنین سلام الله علیها

جناب ام البنین همسر امیرمؤمنان علی علیه السلام بعد از فاطمه زهرا علیها السلام است که نام وی نیز فاطمه بود. پس از آنکه امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به سوگ پاره تن و ریحانه رسول خدا محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله یعنی سرور زنان عالمیان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیه شهیده راه ولایت و امامت نشست، برادرش عقیل را که آگاهی وسیع نسبت به علم انساب داشت، و قبائل عرب را خوب می شناخت و از نسبه های آنها آگاه بود و از سرگذشت آنها در ایام جاهلیت از همه داناتر بود، فرا خواند و از او خواست برایش همسری از تبار دلاوران برگزیند.

عقیل نیز ام البنین کلابیه علیها السلام را برای حضرت علی علیه السلام برگزید که قبیله و خاندانش، بنی کلاب، در

شجاعت بی مانند بودند.

جریان ازدواج ام البنین (سلام الله علیها) با امیر المؤمنین (علیه السلام) از زبان زهیر

روز نهم محرم وقتی که شمر برای قمر بنی هاشم حضرت عباس علیه السلام امان نامه آورد و عباس به شدت آن را رد کرد، زهیر بن قین نگاهی از سر مهر و ارادت به عباس افکند و گفت: «داستانی برایت بگویم: وقتی پدرت می خواست ازدواج کند، به برادرش عقیل که قبیله های عرب را می شناخت فرمود: برای او از طایفه ای زنی انتخاب کند که به رشادت و جنگاوری شهره باشند، می خواست فرزندی پیدا کند که یار حسین او در کربلا باشد، پدرت تو را برای این روز ذخیره کرده است. در یاری زن و فرزند برادرت و خواهرانت کوتاهی مکن!»

عباس گفت: تو می خواهی مرا بر یاری برادرم تشجیع کنی (من بیش از این آماده فداکاری هستم)».

حضرت ام البنین (سلام الله علیها) مادر چهار شهید کربلا

گفتنی است تربیت فرزندان شجاع در حمایت از اسلام و صبر در برابر شهادت جانسوز فرزند دلبدشان خود سهم زنان در جهاد به شمار می رود. از این رو بخش زیادی از شوق آفرینی و شورانگیزی حماسه های کربلا مرهون فداکاری های مادران شهدا است که در این میان حضرت ام البنین (سلام الله علیها) از جایگاهی ویژه برخوردار است

آری حضرت ام البنین (سلام الله علیها) به عنوان مادر چهار شهید به نام های عباس، عبدالله، جعفر و عثمان که در کربلا و در

رکاب امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند. از جمله زنان افتخارآفرین و برومندی است که توانست میوه های دل خود را به نهضت حسینی تقدیم کند.

چگونگی شهادت فرزندان حضرت ام البنین (سلام الله علیها)

عبدالله بن امیرالمؤمنین علیه السلام

مادرش «ام البنین» است. او از برادرش حضرت ابوالفضل علیه السلام هشت سال کوچکتر است و در وقت شهادت امیرمؤمنان علیه السلام ۶ ساله بوده است و در روز عاشورا بیست و پنج سال داشت. پس از شهادت عده ای از بنی هاشم در قیام عاشورا، حضرت ابوالفضل علیه السلام برادران خویش عبدالله، عثمان و جعفر را احضار کرد و فرمود: بروید جان خود را فدای برادر و امام خویش نمایید تا شما را در پیشگاه خدا به حساب آورم و انتقام شما را از دشمنان بگیرم.

عبدالله که از دیگران بزرگتر بود به میدان رفت و این رجز را خواند:

أَنَا بَنُ ذِي النَّجْدَةِ وَالْأَفْضَالِ ذَاكَ عَلِيٌّ
الْخَيْرِ فِي الْأَفْئَالِ
سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ ذُو النَّكَالِ فِي كُلِّ يَوْمٍ
ظَاهِرِ الْأَهْوَالِ

«من فرزند صاحب افتخار و فضیلت ها، علی بن ابی طالبم که در رفتار از همه بهتر است. او شمشیر رسول خدا در سختی ها بود و در هر روز برای دشمنان مایه ترس و رعب بود.»

او دلاورانه می جنگید تا آنکه «هانی بن ثبیت» بر او حمله کرد و شمشیرش را بر سرش فرود آورد. عبدالله در خاک افتاد

و با چهره ای خونین به شهادت رسید..

عثمان بن علی (علیهما السلام)

وی نیز از فرزندان «ام البنین» است که دو سال از برادرش «عبدالله» کوچکتر است.

او در زمان شهادت امیرالمؤمنین چهار ساله بود و در روز عاشورا بیست و سه سال داشت.

هنگامی که عبدالله بن علی به شهادت رسید، عباس به عثمان رو کرد و فرمود: «تَقَدَّمَ يَا أُخِي؛ ای برادر! قدم پیش نه».

عثمان به سوی میدان حرکت کرد و این رجز را می خواند:

إِنِّي أَنَا عُثْمَانُ ذُو الْمَفَاخِرِ شَيْخِي عَلِيٌّ
ذُو الْفِعَالِ الظَّاهِرِ
وَإِبْنُ عَمِّ لِلنَّبِيِّ الظَّاهِرِ أَخِي حُسَيْنِ خَيْرُهُ
الْأَخِيرِ

وَسَيِّدُ الْكِبَارِ وَالْأَصَاغِرِ بَعْدَ الرَّسُولِ وَالْوَصِيِّ
النَّاصِرِ

«منم عثمان، صاحب افتخارات و پدرم علی، صاحب رفتار (نیک) روشن است. او پسر عم پیامبر پاک و برادرم حسین بهترین بهترین هاست. او سرور کهنسالان و جوانان است و پس از پیامبر و وصی (علی)، یاری دهنده دین است.»

عثمان همچنان رجز می خواند و بی باکانه می جنگید، تا آنکه هدف تیر «خولی بن یزید» قرار گرفت و به پهلو بر زمین افتاد. سپس شخصی به پیش آمد و سر مبارک او را از بدن جدا ساخت.

شاید گفته شود که چرا امام علی علیه السلام اسم فرزندش را عثمان نامید می گویند در پاسخ باید گفت به سبب علاقه آن حضرت به عثمان بن مظعون، صحابی بزرگوار رسول الله علت این نامگذاری بوده است؛ لذا از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «إِنَّمَا سَمَّيْتُهُ بِإِسْمِ أَخِي عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ؛ به خاطر علاقه ای که به برادرم عثمان بن مظعون داشتم، اسم

پسر من را عثمان گذاشتم.».

جعفر بن علی بن ابی طالب

او کوچکترین فرزند ام البنین است که دو سال پس از برادرش عثمان به دنیا آمد. او در عاشورا حدود بیست و یک سال داشت.

وقتی که آن دو برادرش به شهادت رسیدند، عباس، برادر کوچکش را نیز فرا خواند و به او فرمود: «تَقَدَّمَ إِلَيَّ الْحَرْبِ حَتَّى أَرَكَ قَتِيلًا كَأَخَوَيْكَ، فَأَحْتَسِبُ كَمَا أَحْتَسِبُتُهُمَا؛ به سوی نبرد بشتاب، تا تو را مثل دو برادرت شهید ببینم، پس آن را به حساب خدا بگذارم آنگونه که آن دو را به حساب خداوند گذاشتم.».

جعفر به سوی میدان گام نهاد در حالی که این رجز را می خواند:

إِنِّي أَنَا جَعْفَرُ ذُو الْمَعَالِي ابْنُ عَلِيٍّ الْخَيْرِ
ذُو النَّوَالِ
ذَاكَ الْوَصِيُّ ذُو السَّنَا وَالْوَالِي حَسْبِي بَعَمِي
جَعْفَرُ وَالْخَالِ

أَحْمِي حُسَيْنًا ذِي النَّدَى الْمِفْضَالِ

«منم جعفر، صاحب مراتب والا، پسر علی نیکوکار و بخشنده. آن که وصی پیامبر و دارای مراتب بلند و ولایت است. مرا کافی است که به عمویم جعفر و دایی ام افتخار کنم و برتر از آن، اینکه حسین علیه السلام آن صاحب فضائل و کرم را حمایت نمایم.».

او جنگید و مجروح شد سرانجام «خولی بن یزید» قاتل برادرش، بر او حمله ور گردید و او را به شهادت رساند.

حضرت عباس علیه السلام

عباس بن علی علیه السلام بزرگترین فرزند ام البنین (سلام الله علیها) بود و در کربلا هنگامی که دید صدای العطش کودکان به گوشش رسید، بی درنگ بر اسب شد و نیزه و مشک را برداشت و به سوی فرات روانه شد. چهار هزار تن از مأموران فرات، آن حضرت را محاصره کردند و هدف نیزه ها قرار دادند ولی آن

حضرت دلاورانه لشکر دشمن را شکافت و هشتاد نفر از آنان را به خاک هلاکت افکند، و وارد فرات شد. آنگاه مشک را بر دوش راست خود نهاد و به سوی خیمه رهسپار شد

دشمن پشت درختها کمین کرده بودند. در این بین «نوفل ازرق» دست راست قمر بنی هاشم را قطع نمود و آن جناب مشک را به دوش چپ نهاد و پرچم و شمشیر را به دست چپ گرفت و این رجز را خواند:

وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمْ يَمِينِي إِنْ أِحْمِي أَبَدًا
عَنْ دِينِي

وَعَنْ إِمَامِ صَادِقِ الْيَقِينِ نَجْلِ النَّبِيِّ
الطَّاهِرِ الْأَمِينِ

«به خدا سوگند! اگر چه دست راستم را قطع نمودید، ولی من پیوسته از دینم حمایت می کنم و از امامی صادق الایمان که فرزند پیامبر پاک و امین است، حمایت می کنم.»

آنگاه «نوفل ازرق» و «حکیم بن طفیل» از کمینگاه بر آن حضرت حمله کردند و دست چپ او را از بدن جدا کردند. آنگاه بنا به قولی، مشک را به دندان گرفت، چیزی نگذشت که تیری بر مشک اصابت کرد و آبهای آن فرو ریخت. تیر دیگری بر سینه مبارکش اصابت کرد و بعضی نوشته اند تیری بر چشم حضرت نشست و مردی از قبیله تمیم با عمود آهنین بر فرق مبارکش زد که از اسب به زمین افتاد «وَنَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ: أَدْرِكْنِي يَا أُخِي؛ با صدای بلند فریاد زد: برادر مرا دریاب.».

ام البنین (سلام الله علیها) بعد از واقعه کربلا

ام البنین (سلام الله علیها) در واقعه کربلا حضور نداشت. لیکن وی پس از واقعه کربلا به یاد فرزندانش روزها به قبرستان بقیع می رفت و عزاداری می کرد.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی می نویسد: ام البنین در حالی که دست فرزند عباس را که عبیدالله نام داشت می گرفت



روزها به بقیع می رفت و برای فرزندانش مرثیه سرایی می کرد. مردم مدینه برای شنیدن مرثیه های جانسوز او اجتماع کرده و همنوای با او گریه می کردند زیرا عزاداری او جانسوز بود ریخت.

مرثیه سوزناک حضرت ام البنین (سلام الله علیها) در سوگ حضرت ابوالفضل (علیه السلام)

آن بانوی داغدیده در سوگ حضرت ابوالفضل (علیه السلام) اشعاری می سرود که از آن جمله است:

يَا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَرَّ عَلَى جَمَاهِيرِ النَّقْدِ
وَوَرَاهُ مِنْ أَبْنَاءِ حَيْدَرَ كُلِّ لَيْثٍ ذِي لَبْدِ
اِنْبُتُّ أَنْ ابْنِي أُصِيبَ بِرَأْسِهِ مَقْطُوعَ يَدِ
وَوَيْلِي عَلَى سِبْلِي أَمَالَ بِرَأْسِهِ ضَرْبُ الْعَمَدِ
لَوْ كَانَ سَيْفُكَ فِي يَدَيْكَ لَمَا دَنَى مِنْهُ
أَحَدٌ

«ای کسی که عباس را دیدی که بر فرومایگان حمله ور شده و از پی او فرزندان حیدر که هر یک شیرانی قوی بودند، قرار داشتند.

با خبر شدم که بر سر پسرم در حالی که دستش را قطع کرده بودند، عمود آهنین زده شد؛ وای بر شیر بچه ام که عمود آهنین بر فرقش فرود آمد! آری؛ اگر شمشیر در دستانت بود، هرگز کسی به تو نزدیک نمی شد.»

دیگر مرا ام البنین نخوانید!
همچنین ام البنین (سلام الله علیها) خطاب به زنان مدینه می گفت:

لَا تَدْعُونَنِي وَيَا أُمَّ الْبَنِينِ تَذَكِّرِينِي بِلَيُوثِ
الْعَرِينِ

كَانَتْ بَنُونَ لِي أَدْعَى بِهِمْ وَالْيَوْمَ أَصْبَحْتُ
وَلَا مِنْ بَنِينِ
أَرْبَعَةٌ مِثْلُ نُسُورِ الرَّبِيِّ قَدْ وَاصَلُوا الْمَوْتَ
بِقَطْعِ الْوَتِينِ

«دیگر مرا ام البنین نخوانید؛ چراکه مرا به یاد شیران بیشه (رزم و جهاد) می اندازید.

مرا پسرانی بود که به خاطر آنها ام البنین خوانده می شدم، ولی امروز دیگر مرا پسرانی نیست (تا به خاطر وجود آنان ام البنین خوانده شوم).

آن چهار پسری که (در میدان جهاد) همچون عقاب های تیز پرواز بودند (آن قدر شجاعت و استقامت به خرج دادند که) با رگ های بریده به ملاقات مرگ رفتند (و به شهادت رسیدند)».

سخن آخر: (حضرت ام البنین (سلام الله علیها) الگوی مادران شهدا است)

در خاتمه باید گفت سیره حضرت ام البنین (سلام الله علیها) به عنوان الگوی مادران شهید نشان می دهد که در میان مادران و همسران شهید چه احساساتی وجود دارد، و چه اندازه گرمند و چه اندازه با ایمانند، و چه اندازه حامی اسلام و حق اند.

اینگونه است که می گوئیم ، مادران شهدا به دعایشان در زیارت امام حسین (علیه السلام) (...یا لیتنا کنا معک؛ یا ابا عبدالله!) ای کاش ما با تو بودیم» رسیده اند و به فوز عظیم نائل شدند، چه افتخاری از این بزرگ تر که انسان فرزندی تربیت کند و سال ها زحمت بکشد تا او را از آب و گل بیرون بیاورد جوانی برومند کند و در سبب اخلاص گذاشته و به اسلام و قرآن و انقلاب تقدیم کند، چه افتخاری از این بالاتر، این افتخاری است که نصیب همه کس نمی شود، لیکن مادران شهدا با الگوپذیری از ام البنین علیهاالسلام ؛ آن بانوی مردآفرین لیاقت داشتند که خداوند این نعمت را نصیبشان کرد



آثار و کارکردهای خرید کالای ایرانی

از منظر معظم له

در عصر و زمانه ای به سر می بریم که امتیاز انحصاری منابع تولید و امتیاز انحصاری بسیاری از کالا های مختلف و نیز بازارهای مصرف جوامع بشری ، تمام و کمال در اختیار قدرت های بزرگ اقتصادی قرار گرفته است و کسی حق ندارد امتیاز استفاده از این گونه منابع را ویژه خویش سازد.

این پدیده های خطرناک اقتصادی عصر ما، مانند انحصارطلبی کارتل های بزرگ اقتصادی که مقصود اصلی آنها به دست گرفتن انحصار جهت فروش کالای خود می باشد. و یا اتحادیه های بزرگ اقتصادی (تراست) که در کنار انحصار طلبی، اهداف دیگری مانند بهره گیری از

روشهای علمی تولید، کم کردن هزینه های تولید، بهره مند شدن از همکاری های گروهی شرکت های تشکیل دهنده اتحادیه و مانند آن را نیز دنبال می نمایند.

در عمل بن بست ها و تضادهائی را در اقتصاد امروز دنیا بوجود آمده، و بیکاری

، تورم و در یک کلام استثمار اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را شدت بخشیده استاز این جهت است که برای کالاهای داخلی، خریداری در کار نیست،

لیکن برای برون رفت از این بن بست و تضادها، در برنامه های اسلامی راهکارهایی پیش بینی شده که خرید کالای داخلی و ملی از جمله آن به شمار می آید.

نقش دولت و ملت در حمایت از تولید ملی

در این بین باید به سه گروه مشخص در جریان حمایت از تولید ملی اشاره نمود

که نقش اساسی در پویایی اقتصاد کشور دارند، یکی از این گروه ها دولت است که باید جلوی قاچاق را بگیرد و اجازه ندهد چه از طریق قاچاق و چه رسمی مصنوعات خارجی که مشابه آن در کشور وجود دارد، بازار ایران را پر کند، فروشندگان نیز در بازار نباید به دنبال مصنوعات خارجی بروند، وقتی بازار از مصنوعات خارجی پر شد تولیدکنندگان داخلی دیگر چه چیزی تولید کنند حال آنکه در صورت نبود بازار فروش، کارگران بسیاری بیکار می شوند.

اما مردم نیز سومین گروهی هستند که نقش بسیار مهمی در حمایت از تولید داخلی دارند، وقتی مردم به دنبال جنس های خارجی می روند و آن را می خرند، فروشنده هم همان جنس خارجی را می آورد و در این جا تولید داخلی زیان فراوانی می کند لذا مردم نیز باید با خرید محصول داخلی مشتری کالاهای ایرانی باشند تا آثار و فواید راهبردی آن محقق گردد.

نقش مضایقه نکند، و این وضع را تا آن جا ادامه دهد که توازن کاملی میان «صادرات و واردات صنعتی» آنها به وجود آید، و این رقم وحشتناک برتری واردات صنعتی بر صادرات به «صفر» برسد.

دولت چگونه باید تولید ملی و کالای ایرانی را حمایت کند؟

بی شک دولت باید خود را آماده قطع پیوندهای غلط اقتصادی خود با غرب و شرق باشد، و روابط جدیدی بر اساس صحیح، همچون روابط دو تاجر مستقل، بر اساس احترام متقابل، نه به معنای اقتصاد مصرفی و اتکالی یک فرد مستمند به یک ثروتمند خودخواه، برقرار سازد.

شکی نیست که دولت باید تدریجاً دروازه های باز خود را به روی کالاهای خارجی ببندد، و افراد را به مصرف مصنوعات داخلی تشویق نماید، و در صورت لزوم از هر گونه امساک و روزه داری در این

دیگر اقتصاد داخلی کشور به سما مصرف تولیدات خارجی سوق داده شده است و اینگونه سرمایه های سرسام آوری همه ساله به سمت غرب سرازیر می شود.

به ویژه آنکه سیستم «تولید انحصاری» و یا «نمایندگی های انحصاری» و یا «بازارهای مصرف انحصاری» که توسط قدرت های بزرگ اقتصادی زیر چتر اقتصاد آزاد انجام می گیرد و احیاناً فلسفه هائی برای آن می تراشند که مثلاً در راه منافع مصرف کنندگان است، و در حقیقت منافع جمع را آشکارا فدای منافع فرد می کند، به گونه ای است که و همیشه در سایه آن نرخ کالاهای مورد نیاز بسود تولید کنندگان و دلالان و واسطه ها و بزبان مصرف کنندگان تغییر می یابد و کاخهای مستکبران را آبادتر و کوخ های مستضعفان را ویران تر می سازد.

بنابراین چه جای تعجب، اگر غرب روز به روز فربه تر و کشورهای واردکننده کالا هر روز لاغرتر گردند؟ خرید کالای خارجی موجب می شود ثروتهایی را که باید همچون خون در عروق اقتصادی جریان یابد با سخاوت هر چه تمامتر به غرب منتقل می شود، و همین سیستم اقتصادی ناسالم مصرفی آن هم از طریق خرید کالای خارجی کشور موجبات وابستگی به قدرت های غربی را فراهم می کند.

حقیقت آن است که با وجود امکانات وسیع آب و خاک در کشور، اگر محتاج و نیازمند دیگران شویم از رحمت الهی به دور خواهیم ماند. شکی نیست که وابستگی در خرید کالای غیر ملی تهدید جدی برای امنیت اقتصادی نظام محسوب می شود زیرا تولیدات کشورهای غربی و برخی قدرذت های اقتصادی هم چون چین، بیش از نیاز داخلی آنهاست.

این کشورها در جستجوی بازار مصرف برای کالاهای خویش هستند. برای صادر کردن کالاهای خود و تسلط بر بازار دیگر کشورها ، کالایی را که با هزینه کم تولید

کرده اند به صدها برابر قیمت فروخته، و از این راه کیسه خود را پر کنند.

حال اگر این وابستگی در حوزه کالاهای اساسی و سایر ارزاق عمومی قرار گیرد، در این صورت است که پیوسته در معرض تعرض و فشار اقتصادی خواهیم بود چون مجبوریم که در مقوله مصرف کالاهای وارداتی از سیاست های کشور متبوع، پیروی کنیم. با این اوصاف تصور کنید در زمان واردات بی رویه کالای خارجی، با واردات را قطع کنند چه حادثه ای برای مردم ما رخ می دهد؟

با این تفاسیر باید گفت تقویت پایه های اقتصاد جامعه اسلامی و مجد و عظمت و سربلندی آن و شاه کلید برون رفت از هر گونه وابستگی به دیگران در گرو خرید کالای ایرانی است. در این زمینه قطعاً حکومت اسلامی نیز وظیفه دارد با وضع مقررات و قوانینی از واردات کالاهایی که مشابه آن در داخل کشور تولید می شود و خرید آن به ضرر جامعه است یا موجب سلطه بیگانگان می شود. جلوگیری نماید.

خرید کالای ایرانی؛ تجلی گردش چرخ های صنعت و افزایش تولیدات ملی اسلام به کار و تولید، ارزش واقعی بخشیده است و از طریق آموزه های تربیتی و فرهنگی خاص خود، شرایط لازم را جهت تولید و بهره برداری صحیح از طبیعت، فراهم ساخت و همگان را به تشریک مساعی در آن فرا خواند. دلیلش

هم روشن بود، زیرا اسلام ، خواهان عزت و استقلال جامعه اسلامی بود، و هرگونه تسلط بیگانه و وابستگی به آنان را مردود می داند، و بنابر اصل محکم نفی سبیل: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. ، و برتری

اسلام: «الإسلام يعلو و لا يُعلى عليه؛ اسلام شأن و منزلتش والاتر و بالاتر است و چیزی با آن برابری نمی کند.» طبیعی است که تولید انواع فرآورده های مادی

و فیزیکی از یک طرف و تربیت نیروهای متخصص انسانی ومجهز شدن به آخرین دستاوردهای علمی بشر از سوی دیگر، در سرلوحه آموزه های دینی این آیین آسمانی قرار گیرد

لیکن اشتباه بزرگی که دولتمردان در برهه های مختلف به آن دچار شدند این است که به انحاء مختلف کالاهای خارجی را در زندگی مردم راه دادند، حال آنکه تلاش دولت باید بر خود کفایی در تولید ملی منحصر می شد نه افراط در مصرف گرایی و ایجاد بازار مصرف برای کالاهای خارجی ، و همین اشتباه بزرگ و همین اقتباس غلط، دردناکترین ضربه را به حیات اقتصادی کشور وارد ساخته است.

در این میان اگر انسان سرمایه های مادی را در راستای خرید کالاهای ایرانی مصروف دارد به یقین وسیله ای برای فعالیت، کار، تولید، توسعه و اشتغال در جامعه محقق خواهد شد و اینچنین با گردش چرخ های صنعت و احیاء واحدهای تولیدی عمران و آبادانی به بار خواهد نشست.

اینچنین است که می گوئیم واردات و خرید تولیدات خارجی سبب تضعیف بنیه اقتصادی کشور و تعطیلی تولید ملی است زیرا تولیدکنندگان داخلی گرفتار ضرر و زیان میشوند، لذا هم دولت وظیفه دارد جلوی چنین وارداتی را بگیرد و هم بازرگانان باید از ورود آن خودداری کنند.

از سوی دیگر مردم نیز باید از خرید این گونه کالاها اجتناب کنند. از آن جهت که واردات بی رویه کالا از سوی دولت و خرید کالای خارجی توسط مردم مساوی است با تعطیلی کارخانه ها که سبب بیکاری جمع کثیری از مردم که نابودی تولید ملی را موجب خواهد شد..

جلوگیری از خروج ارز در گرو خرید تولید داخلی

دنیاى امروز به دو بخش تقسیم شده اقلیتی به صورت «تولید کننده» و

اکثریتی به صورت «مصرف کننده» به عبارت روشنتر ممالک پیشرفته صنعتی که فرآورده هایی بیش از احتیاج خود گاهی تا چند صد برابر تولید می کنند، در پی ارسال آن کالاها به دیگر کشورها حرکت می کنند؛ بدیهی است تولید کنندگان فرآورده های خود را به رایگان در اختیار دیگران نمی گذارند، بلکه پول می خواهند آن هم پول خودشان و این یعنی خروج ارز از کشور.

اما به راستی هیچ فکر کرده ایم که خرید کالاهای خارجی چقدر ارز از کشور خارج می کند، و این کار چه پیامدهای خطرناکی در پی دارد؟ لذا پیامدهای منفی خروج ارز، مخصوصاً هنگامی که معادل آن چیز با ارزشی وارد کشور نشود، بر هیچ انسان آگاه و مطلعی پوشیده نیست، به ویژه اگر این سرمایه کلان به جیب دشمنان در حال جنگ با اسلام و مسلمین واریز شود، و طبعاً هر مقدار که مبلغ ارز خارج شده بالاتر رود، خطرات آن هم بیشتر می باشد.

بدیهی است خرید اجناس خارجی افزون بر انحراف در گردش سرمایه و خروج از مسیر طبیعی تولید و مصرف، نوعی بدگمانی به خداوند و ناسپاسی به نعمت های اوست، زیرا سرمایه های مردم، وسیله ارزش گذاری کالاها در مبادلات اقتصادی و موجبات اقتدار نظام اسلامی است و به وسیله آنها امکان برابری در داد و ستدهای مالی به ویژه در صادرات کالاها فراهم می گردد.

در تبیین این مسأله باید گفت غفلت از تولید ملی و واردات بی رویه کالاهای خارجی دولتمردان را ناچار می سازد برای تهیه ارز، از طریق فروش مواد اولیه (اقتصاد نفتی) و منابع پر ارزش خود به نازلترین قیمت، اقدام کنند و به اصطلاح از این راه «ذخیره ارزی» برای خود فراهم سازند، و به این ترتیب دلار به عنوان «پول ارزشدار» شناخته می شود و پول داخلی «پول وابسته و بدون ارزش»!

و «استعمار اقتصادی» از همین جا شروع می شود.

چه کسی است که نداند امروز بازارهای کشور مملو از اجناس لوسک و تجملی غربی و شرقی است، و این اجناس رقم بسیار مهمی از واردات را تشکیل می دهد، از اتومبیلهای لوکس تجملی گرفته، تا هزاران نوع اسباب بازی خودکار و تزئینستوری، و عروسکهای غربی! درست به شکل همان دختر بچه های غربی با همان چشمهای آبی و موهای طلایی، بعضی با صدا، بعضی متحرک بعضی غیر متحرک و هکذا! ... این سرگرمیها و اسباب بازیها که بعضی برای بزرگسالان و بعضی برای کودکان ساخته شده، وی هم رفته مبالغ هنگفتی از ارزهای این کشورها را می بلعد، ارزهایی که به قیمت عمر و جان مردم این سامان به دست آمده است.

کمترین اثری که خروج این ارزها دارد این است که رقم مهمی از ذخایر ملی این کشورها را به باد می دهد، و مانع هر گونه پس انداز، و تشکیل سرمایه های بزرگ و بالاخره صنعتی شدن این کشورها می گردد.

خرید کالای ایرانی؛ پایه تحقق اقتصاد مقاومتی

در تاریخ زندگی همه انسانها روزهایی پیش می آید که باید با قوت و قدرت تمام و با فداکاری و مقاومت در برابر دشمنان بایستیم و به آنها نه بگوییم تا بتوانیم عزت، شرف و افتخارات و استقلال خود را حفظ کنیم. اکنون یکی از آن زمانها است که دشمنان کینه توز از تشکیل حکومت اسلامی با شعار نه شرقی نه غربی و هیئات منالذله سخت عصبانی هستند و تصور می کنند می توانند با تحریمهای خود ملت ما را به زانو در آورند، در حالیکه کور خوانده و اشتباه کرده اند.

اکنون لازم است با بررسی نقش حمایت از تولید داخلی در تحقق اقتصاد مقاومتی

مشت محکمی به دهان دشمنان کینه توز بزنیم و برای همیشه آنان را مأیوس کنیم.

باید اذعان کرد ما در کشوری زندگی می کنیم که خدای متعال خزانه آن را در اختیار ما گذاشته و هر گاه این منابع را به خوبی مدیریت کنیم و برنامه ریزی دقیقی بوسیله مغزهای متفکر اقتصادی تنظیم کنیم و به قناعت در مصرف و خرید تولید ملی روی آوریم به یقین توطئه های دشمن در هم کوبیده می شود. اینچنین است که در بحث اقتصاد مقاومتی می گوئیم، مردم باید باور کنند که صرفه اصلی آن است که از اجناس داخلی و تولیدات داخلی استفاده کنند؛ امروزه مهمترین اقتصاد دنیا نیز به سوی اقتصاد مقاومتی می رود و این مهم در گرو خرید کالای داخلی است.

مصرف کالای داخلی؛ زمینه ساز سبک زندگی اسلامی

شکی نیست که مسائل اقتصادی باید با اصول اخلاقی آمیخته شود، و اقتصاد منهای اخلاق ممنوع گردد. لذا اگر اخلاق در لایه های مختلف اقتصاد حاکم شود، تولید کالا، توزیع کالا و مصرف کالا همه آمیخته با اصول اخلاقی خواهد شد.

از سوی دیگر شاهدیم نظام سرمایه داری غرب به عنوان مهد سبک زندگی غربی با استفاده از عنوان آزادی تولید و تجارت، بسیاری از مغزهای نیرومند صنعتی را با حقوق زیاد بسوی اختراع و تولید کالاهای تجملی سوق می دهد و از این طریق خون مردم زحمتکش را می مکند.

به همین دلیل مشاهده می کنیم که بازارها در کشورهای صنعتی و از آن بیشتر در «کشورهای غیر صنعتی پر درآمد» هم چون ممالک نفت خیر مملو است از انواع کالاهای تجملی و وسائل دروغی زیبایی اندام و دکورهای جالب و مزخرفات دیگر که غالباً به هیچ درد نمی خورد و به زور تبلیغات دروغین، مردم بی خبر را بسوی آنها می کشانند تا ثروت

های خود را بیهوده به پای این اجناس بنجل بریزند، و سهمی از درآمد نفت را که عائد آنها شده از این طریق به کیسه غارتگران بریزند.

با این تفاسیر باید از خرید کالاهای خارجی به ویژه وسایل تجملاتی و لوکس غربی که گذشته از زیانهای بزرگ اقتصادی، عامل مؤثر در کشتن غرور ملی و اصالت اجتماعی و استقلال فکری و اخلاقی محسوب می گردد اجتناب نمود.

هم چنین بوجد آوردن تقاضاهای کاذب از طریق دامن زدن به تبلیغات دروغین و بکار گرفتن همه مسائل روانی برای تحریک مرد و زن و کوچک و بزرگ خانواده ها، و کشیدن آنان به بازارها برای خرید اجناس غیر ضروری و لوکس، و در یک کلام مصرف گرایی به عنوان یکی از مظاهر بارز سبک زندگی غربی، یکی دیگر از سیاست های اقتصادی است که زیر لفافه آزادی «تولید» و

«تبلیغ» و «تجارت» به زیان مصرف کنندگان انجام می گیرد و آخرین رمق توده های زحمتکش را می کشند.

لذا مردم باید به سوی اقتصاد درونی و یک زندگی ساده توأم با خرید کالای داخلی و منطبق با فرهنگ ایرانی اسلامی، توجیه شوند، و خطری را که این تجمل پرستیها برای پس انداز و تشکیل سرمایه های بزرگ و صنعتی شدن، علاوه بر زیانهای فراوان اخلاقی آنها دارد به وسیله رسانه های مختلف درست دریابند.

از سوی دیگر مردم باید بدانند بسیاری از کالاهای قاچاقی که وارد کشور می شود به گفته مسئولان تاریخ گذشته و بی کیفیت است و به سلامت آن ها نیز آسیب می رساند.

سخن آخر: نقش کلیدی رسانه ملی در تشویق مردم به خرید کالای ایرانی

در خاتمه باید گفت در آمریکا که مسائل

دینی به مانند ایران مورد توجه مردم قرار نمی گیرد، مسئولان به مردم می گویند باید از کالاهای ساخت خودمان استفاده کنید؛ آنها اعلام کرده اند که ملت آمریکا باید تولیدات آمریکایی و داخلی خود را مصرف کند؛ پس می بینیم که آنها هم به این سمت می روند.

بنابراین استفاده از کالای ساخت داخل در کشور ما باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد لیکن تحقق این مهم در گرو نقش آفرینی رسانه ها، روزنامه ها و به ویژه رسانه ملی است تا مردم نسبت به خرید کالای ایرانی بیش از

پیش اهتمام ورزند.

ضرورت و اهمیت اردوهای «راهیان نور»

از منظر معظم له

جنگ تحمیلی حکومت بعثی عراق علیه ایران که از سال ۱۳۵۹، یعنی دو سال پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، شروع شد و هشت سال به طول انجامید. نمونه کامل از جنگ نابرابر و ظالمانه به شمار می آید که با حمایت های قدرت های غرب و شرق از حکومت دیکتاتوری صدام بر مردم مسلمان ایران تحمیل شد.

حال آنکه در آن روز نه ارتشی در کار بود نه معلوم بود سلاح دست کیست و نه برنامه ریزی دفاعی وجود داشت؛ دشمن ما در حد اعلائی امکانات و ما در حد ادنای امکانات بودیم؛ زیرا دولت های نیرومند با حمایت همه جانبه از صدام؛ آخرین سلاح ها و آخرین اطلاعات و امکانات را در اختیار او گذاشتند تا اینگونه حکومت اسلامی به زعم آنان به پایان راه برسد.

لیکن با لطف خداوند و رهبری امام و کمک گرفتن از نیروی مذهب و استفاده از نیروی شهادت بعد از هشت سال بدون اینکه حتی یک وجب از خاک ما به دست دشمن بیفتد جنگ به اتمام رسید. آری حماسه های غرور آفرین هشت سال دفاع مقدس در جبهه های نبرد حق علیه باطل، را باید منبعث از نیروی مذهب دانست؛ بهره گرفتن از نماز شب، دعا های کمیل و ندبه، شروع عملیات با اسامی اهل بیت (علیهم السلام) و موارد دیگر همه و همه نشان دهنده عنایت خداوند به این ملت است که باید قدر بدانیم و بر ارواح شهدا و امام، جانبازان و آزادگان درود بفرستیم.

باید اذعان نمود جنگی که ما در دوران هشت سال دفاع مقدس با آن روبرو بودیم در تاریخ سابقه نداشته است؛ گرچه با جنگ های مختلفی روبرو بوده ایم اما

این جنگ از نظر گستردگی زمان و مکان مسبق به سابقه نیست. لذا پیروزی ما در این جنگ تحمیلی هشت ساله معجزه ای الهی است، زیرا این پیروزی به حساب های عادی امکان پذیر نیست.

با این تفاسیر باید تاریخ گذشته ی دفاع مقدس را مرور کرد که در راستای تحقق این مهم «راهیان نور» یکی از ابتکارات پر ارزش به شمار می آید و پس از پایان جنگ تحمیلی به وجود آمده است، تا نسل های بعدی بدانند که برای این انقلاب چه زحماتی کشیده شد و بدانند که اگر مشکلی در آینده پیدا شود چه وظیفه ای در برابر آن دارند. حال در تبیین این مسأله مهم، شایسته است ضرورت و اهمیت برگزاری اردوهای راهیان نور، بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد که در ادامه از نگاه شما می گذرد.

اردوهای راهیان نور؛ پیام رسان ارزش های دفاع مقدس و معارف شهدا

ما شبانه روز و پی در پی از خدا می خواهیم که در خط شهدا باشیم و در هر مقطع زمانی در این مسیر انجام وظیفه کنیم و رسالت خویش را ادا نماییم؛ زیرا مقام شهدا در اسلام بسیار بالاست؛ شهیدایی که میهمان خدا هستند و از خوان احسان او، روزی می گیرند... شهیدایی که در هنگام خطر، اسلام را بیمه کردند، و اگر فداکاریهای شهیدایی همچون شهدای «بدر» و «احد» یا «شهدایان کربلا» و «شهدای دفاع مقدس» نبود، شاید امروز خبری از اسلام نبود.

از سوی دیگر باید دانست خون شهید و شهادت او یک حادثه است، حادثه نیاز به تحلیل دارد، عوامل این حادثه چه بوده؟

آری فراموشی یاد شهدا از تهدیدات فراروی انقلاب است و باید به همگان گوشورد نمود که چه رشادت ها و ایثارها در دفاع از کشور و نظام در هشت سال انجام شد و چه شهدای عزیزی در این راه داده ایم.

از این جهت است که می گوئیم اردوهای راهیان نور در واقع بزرگداشت یاد و نام شهدا و ارزش های دفاع مقدس است، مساله ای حیاتی که بخشی از دستورات اسلام و تدبیراتی است که برای حفظ روحیه بسیجی و بقای آن در میان مسلمین می شود؛ و اگر این امر به فراموشی سپرده شود به یقین تأثیر فراوانی در تضعیف روحیه بسیجی خواهد داشت.

راهیان نور؛ موثرترین برنامه برای انتقال فرهنگ ایثار و شهادت به نسل جوان

امروز دشمنان اسلام بیشترین وحشت را از فرهنگ شهادت و شهادت طلبی دارند، این در حالی است که آنها توان مقابله به مثل، نسبت به فرهنگ شهادت را ندارند و سلاحی که بتوان از آن در برابر این فرهنگ دفاع کرد در خود نمی بینند.

البته شنیده شده است که اخیراً دولت های غربی در صدد برآمدند تا ریشه فرهنگ شهادت طلبی خشکانده شود، لذا در قالب اسناد مختلف بین المللی هم چون سند ۲۰۳۰، برای حذف واژه و مفهوم شهادت از کتب درسی تلاش می کنند، هم چنین حذف آیات مربوط به جهاد و شهادت را در کتب دروس دینی در دستور کار قرار داده اند؛ تأسف آورتر این است که برخی عناصر دست نشانده که متأسفانه در ممالک اسلامی و بعضاً در داخل کشور کم نیستند به این امر توصیه کرده اند و برای ایجاد نفرت نسبت به آن، شهادت طلبی را انتحار و خودکشی می نامند و شهادت طلبان را تروریست.

بر این اساس نه تنها دیروز، بلکه امروز نیز فرهنگ سرنوشت ساز «شهادت»

است که لرزه بر اندام دشمنان می افکند، و آنها را از نفوذ در دژهای اسلام مایوس می کند، و چه پر برکت است فرهنگ شهادت برای مسلمانان، و چه وحشتناک است برای دشمنان اسلام.

با این تفاسیر مساله شهادت و جهاد در مقابل دشمنان نباید خاموش شود؛ بلکه این مساله باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و برای نسل جوان تبیین شود؛ لذا آشنا کردن بیش از پیش جوانان با تجربیات دفاع مقدس ضروری است؛ زیرا یکی از رموز موفقیت ملت به ویژه در دفاع مقدس بهره گیری از فرهنگ جهاد و شهادت بود، و باید روی این مساله مهم کار، بررسی، استخراج، تبیین و تحلیل شود که برگزاری اردوهای راهیان نور به نوبه خود نسخه کامل از انتقال فرهنگ ایثار و شهادت به نسل جوان محسوب می شود.

بنابراین مسئولان و دست اندرکاران برنامه ارزشمند راهیان نور باید با رویکرد نظری جامعه را آماده جهاد و شهادت نمایند؛ باید مطالب و محتوای جامع در طول دوره های اردویی در مناطق عملیاتی تهیه و منتشر شود. تاجوانانی که صحنه ایثار و فداکاری را ندیده اند در آن سرزمین ها حضور یابند و خاطره ها تجدید شود؛ در این بین می توان پیروزی ها و شجاعت ها و شهامت های رزمندگان دفاع مقدس را را برای آنها تشریح کرد و جوانان را با کوله باری از عشق به ایمان و شهادت، به پوییدن راه آنها دعوت کرد.

خوشبختانه برنامه راهیان نور در این زمینه بسیار مثبت است و با فعالیت های چند سال اخیر مسئولان برگزاری اردوی راهیان نور و با تلاش بی امان دغدغه مندان به فرهنگ شهادت؛ این فرهنگ متعالی آن چنان در جامعه گسترش یافته و ریشه دوانیده که با تبلیغات مادی غرب نمی توان جلوی آن را گرفت.

حقیقت آن است که اعزام تعداد بسیاری

از جوانان به مناطق عملیاتی باعث آشنایی بیش از پیش آنان با فرهنگ دفاع مقدس شده است. به نحوی که جوانان و نوجوانان اعم از پسر و دختر وارد این صحنه شده اند و این بلای وحشتناکی است برای دشمنان اسلام، امیدواریم که مسلمین جهان روز به روز با این فرهنگ پر افتخار آشنا تر شوند و راه شهیدان روز به روز پر رهروتر گردد.

راهیان نور؛ نمایش آمادگی دفاعی ملت

مادامی که همه مردم جهان در برابر اصول عقل و عدالت تسلیم نشده، و زور و قدرت بر روابط ملل دنیا حکومت می کند و این احتمال وجود دارد که جامعه اسلامی مورد تهاجم بیگانه قرار گیرد، اسلام دستور می دهد که مسلمانان آمادگی کامل خود را برای دفاع از خویش حفظ کنند

بدیهی است در موضوع جهاد و دفاع اسلامی اغراض شخصی مطرح نیست، بلکه هدف حفظ مکتب انسانی اسلام است، لذا آنها که دشمنیشان با شما شکلی از دشمنی با خدا، یعنی دشمنی با حق و عدالت و ایمان و توحید و برنامه های انسانی دارد، باید در این زمینه ها هدف حملات یا دفاع شما باشند.

خداوند در قرآن کریم مر فرماید: «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ؛ ای مسلمانان! هر نوع نیرو و توانی دارید (اعم از توانایی های اقتصادی، نظامی، تبلیغاتی، اجتماعی و مانند آن) برای مقابله با دشمنان آماده سازید». این آیه به ما می گوید مسلمانان باید در همه حال و همه جا در مقابل دشمنان آماده باش باشند. یعنی تا زمانی که اسلام دشمنی دارد باید این آمادگی وجود داشته باشد؛ یعنی در انتظار ننایند تا دشمن به شما حمله کند و آن گاه آماده مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حد کافی آمادگی در برابر هجوم های احتمالی دشمن داشته باشید. به عبارت



دیگر برای این که فکر جنگ را از سر دشمن خارج سازید، باید با آمادگی بالا، اندیشه جنگ در نطفه خفه شود.

در حقیقت بینش اسلام در مورد جنگ، یک تفکر پیشگیرانه است. و اسلام می خواهد با ایجاد آمادگی عالی مسلمانان، ریشه جنگ را بخشکاند و زمینه درگیری و خونریزی را از بین ببرد.

در این بین به مسلمانان دستور داده شد با برقراری پیوند محکم با خداوند و پیوند محکم با بندگان خدا، جسم و جان خود و اجتماع خویش را آماده برای جهاد کنند، و به اصطلاح خود سازی نمایند، و مسلما هر گونه جهادی بدون آمادگی های روحی و جسمی افراد و بدون پیوندهای محکم اجتماعی محکوم به شکست خواهد بود، که برنامه راهیان نور می توان در این زمینه توفیقات فراوانی کسب کند.

حوادث اخیر نیز ثابت کرد بر خلاف آنچه که برخی ها خیال می کنند دوران دفاع مقدس تمام شده است بلکه جوانان امروز از جوانان قدیم آماده ترند.

بنابراین در هر زمان ممکن است دشمن علیه ما حمله کند؛ از این رو باید در

راستای برگزاری مستمر برنامه های فرهنگی از جمله اردوهای راهیان نور اقدام نمود زیرا جامعه و مردم وقتی ببینند شهید در جامعه ارزش والایی دارد آنها هم تشویق می شوند که به این مقام والا نائل شوند و در صورت نیاز، مردم پا به میدان خواهند گذاشت.

بی شک ما در حال حاضر می توانیم با استفاده از تجربیات دفاع مقدس در قالب کاروان های راهیان نور، توطئه های دشمنان را شناسایی کرده و برای مقابله با آن برنامه ریزی نماییم؛ منتهی در این بین آماده نگه داشتن جوانان بحث بسیار مهمی است که ظرفیت های بی بدیل برنامه راهیان نور می تواند بر این مسأله جامه عمل پوشاند.

روایت گری در راهیان نور؛ فرصتی مناسب برای بازخوانی تاریخ جنگ

مطالعه تاریخ جنگهای اسلامی، از صدر اسلام تاکنون؛ این حقیقت را آشکار می سازد که مسلمانان از عصر پیامبر(صلی الله علیه وآله) تا رزمندگان دوران دفاع مقدس، اگر شاهد پیروزیهای سریع و پی در پی بودند، همه بدون استثناء در

سایه جد و جهد و ایثار و فداکاری بسیار صورت گرفت، درست است که دست حمایت الهی بالای سر آنها بود، ولی از نظر اسباب ظاهر عامل پیروزی تلاش و کوشش آنان بود. این یک قانون جاودانه تاریخ است نه منحصر به یاران پیامبر و امام حسین علیه السلام بوده و نه مربوط به دیروز و امروز است، بلکه در آینده مانند گذشته نیز این اصل اساسی حاکم است.

شکی نیست که هر ملتی با تاریخ آن زنده است، و هراندازه که تاریخ یک ملت مبهم شود، هویت آن ملت نیز مبهم و ناقص می شود، لذا باید تاریخ دفاع مقدس به عنوان مهمترین واقعه تاریخی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مورد توجه قرار گیرد و برای آیندگان به یادگار بماند تا از این طریق هویت ملی و دینی حفظ شود و این جرات، شهامت و قدرت به آینده و نسل های آینده منتقل شود تا آنان بدانند پدران آنها با شرایط بسیار سخت در مقابل دشمنان به خوبی ایستادند و نگذاشتند یک وجب از خاک کشور ما از دست برود.

بدین ترتیب باید گستره تاریخ جنگ تحمیلی در مناسبت های مختلف بیان شود؛ و این مساله مهم به صورت دقیق برای مردم بازگو شود تا آحاد جامعه به ویژه نسل جوان؛ با ابعاد و زوایای مختلف تاریخ جنگ تحمیلی آشنا شوند و به اهمیت آن پی ببرند که این امر می تواند در بستر راهیان نور و در قالب نقش خطیر روایت گری محقق شود.

در این میان؛ باید در اردوهای راهیان نور، جلوه های ایمان و شهادت در تاریخ جنگ تحمیلی بازگو شود و واقعیت های جنگ آنچنان که هست بازگو شود زیرا اگر مخاطبان واقعیت را مشاهده کنند به آن ایمان پیدا می کنند.

راهیان نور؛ عدالت خواهی در سایه پیوند فرهنگ انتظار و شهادت

«انتظار» و «شهادت» از جمله سازنده ترین مفاهیم در آموزه های اسلامی است زیرا هجرت و جهاد و شهادت مخصوص به دوران معینی از آغاز اسلام نیست بلکه «انتظار» معمولا به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می کند.

لذا مسأله انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است؛ عنصر «نفی» و عنصر «اثبات». عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود؛ و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است.

از این جهت علاقه انسان به پیشرفت و تکامل، به دانایی و زیبایی، به نیکی و عدالت، علاقه ای است اصیل، همیشگی و جاودانی؛ و انتظار ظهور یک مصلح بزرگ جهانی آخرین نقطه اوج این علاقه است. از سوی دیگر انتظار چنان انقلابی داشتن همیشه توأم با یک جهاد وسیع و دامنه دار است

لذا در مورد انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) یک نوع رابطه و تشابه در میان مسأله «انتظار» و «جهاد و شهادت» و مبارزه با دشمن، در آخرین شکل خود، وجود دارد.

با این تفاسیر باید گفت دو واژه «انتظار» و «شهادت» مکمل یکدیگرند، و ارواح پاک شهیدان در جهان برزخ، در انتظار آن ظهور عظیمند و راهیان نور، به سوی آن برافرازنده پرچم عدل جهانی گام

برمی دارند.

سخن آخر: تداوم راهیان نور در گرو مردمی بودن آن است

اسلام بهترین راه را برای مردمی بودن، معرفی می کند؛ اگر ما مسائل مردمی اسلام را پر رنگ نشان داده و عمل کنیم، جاذبه اسلام چند برابر می شود و وقتی مردم ببینند که من به صورت متکلم وحده سخن نمی گویم و همه جا منافع مردم را در نظر می گیرم به این آیین گرایش می یابند.

در این میان ترویج فرهنگ دفاع مقدس و تدام برنامه راهیان نور جز از طریق همکاری مردمی حاصل نمی شود. لذا وقتی برنامه ها مردمی باشد هیچ گونه عوارضی نخواهد داشت.

سلام و درود خداوند بر شهیدان راه حق و سلام و درود خدا بر شما زحمت کشان عرصه ترویج فرهنگ دفاع مقدس که چراغ پرنور شهیدان را پاسداری می کنید و از آن خون های پاک، دروس پر ارزشی برای رهروان راه آنها می سازید

راهیان نور

راه و رسم جلب امدادهای الهی

بخش پژوهشهای اعتقادی و معارفی سایت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

چکیده: خداوند متعال بر اساس حکمت خویش علاوه بر رحمت و واسعه اش که همه انسانها و موجودات را در بر می گیرد، کمکهایی را جهت پیشرفت و دستگیری انسان در مسیر زندگی و عبودیت او قرار داده که ما از آنها تحت عنوان «امدادهای الهی» یاد می کنیم. جلب این امدادها و بهره مندی از آنها شرایط و اسبابی دارند که می بایست از سوی انسان فراهم آیند تا بتواند آنها را بسوی خود جلب نماید.

در این نوشتار به اختصار سعی شده تا مهمترین شرایط دریافت امدادهای الهی مورد شناسایی و تبیین قرار گیرند.

مقدمه:

خداوند متعال به عنوان پروردگار عالمیان، بر اساس حکمت عالی خویش علاوه بر لطف و رحمت واسعه اش که همه انسانها و موجودات را در بر می گیرد، عوامل و کمکهایی را جهت پیشرفت و دستگیری هر چه بیشتر انسان در مسیر زندگی و عبودیت او قرار داده که ما از آنها تحت عنوان «امدادهای الهی» یاد می کنیم. امدادهای الهی در واقع رزقهای مادی و معنوی ای هستند که نقش مهمی در پیشرفتهای، توفیقات، گشایش در امور و تقویت و تعالی مادی و معنوی انسان، هم در عرصه های اجتماعی و هم در امور شخصی و فردی دارند. این امدادها می توانند به صورت مادی یا معنوی شامل حال انسانها باشند.

امدادهای مادی بیشتر بصورت کسب نصرت و یاری الهی و توفیقات و برکات مادی در زندگی فرد محقق می شوند همچنانکه خداوند می فرماید: «أَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ

نَفِيرًا» (۱)؛ (شما را به وسیله داراییها و فرزندان کمک خواهیم کرد و نفرات شما را بیشتر قرار می دهیم).

امدادهای معنوی بیشتر مربوط به کسب علم و ایمان، هدایتها، الهامات، حکمتها و بصیرتهایی است که نصیب فرد می گردند همچنانکه خداوند می فرماید: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى» (۲)؛ (آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم)، یا جای دیگر می فرماید: «أَتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (۳)؛ (ما «حکم» و «علم» به او دادیم و اینچنین نیکوکاران را پاداش می دهیم).

دریافت و جلب این امدادها و بهره مندی از آنها راهها، شرایط و اسبابی دارند که می بایست از سوی انسان فراهم آیند تا بتواند آنها را بسوی خود جلب نماید. این عوامل و راههای جلب امدادهای الهی گستره بسیار وسیعی دارند که احصاء و شمارش همه آنها کاری دشوار است و در این مختصر نمی گنجد؛ لذا در این نوشتار به اختصار سعی شده تا بر اساس منابع دینی مهمترین شرایط و راههای جلب و دریافت امدادهای الهی مورد شناسایی و تبیین قرار گیرند.

راههای جلب امدادهای الهی:

ایمان

با مراجعه به آیات قرآن کریم می توان دریافت که ایمان به خداوند، پیامبران و تعالیم الهی، از مهم ترین شرایط برخورداری از امدادهای الهی هستند که به چند آیه اشاره می شود:

۱. «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ

آمَنُوا» (۴)؛ (خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند).

۲. «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى» (۵)؛ (ما داستان آنان را بحق برای تو بازگو می کنیم آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم).

۳. «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (۶)؛ (و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمانی آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم ولی آنها حق را [تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم).

۴. «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَزَدْتُهُمْ إِيْمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ» (۷)؛ (اما کسانی که ایمان آورده اند، بر ایمانشان افزوده و آنها [به فضل و رحمت الهی] خوشحالند).

در این آیات «ایمان» سبب هدایت، ایمان بیشتر، خوشحالی، جلب برکات و دفاع الهی از انسان برشمرده شده است.

تقوا

بعد از ایمان به خدای متعال مهم ترین شرط بهره مندی از امدادها و نصرت های الهی تقوا و پرهیزکاری است. خداوند می فرماید:

۱. «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» (۸)؛ (و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمی رساند).

۲. «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ

يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (۹)؛ (و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد).

۳. «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» (۱۰)؛ (و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می سازد).

طبق این آیات، بواسطه تقوا، کیدها و حیل های دشمن به انسانهای مومن ضرر نمی زند، راه نجات برایشان فراهم می شود، از جایی که گمان ندارند روزی داده می شوند و امورشان آسان می شود.

توکل

توکل یکی دیگر از اوصاف برجسته بندگان شایسته خداوند است که در تعالیم دینی ما بسیار به آن تاکید شده است و آثار فراوانی بر آن مترتب است. در این باره در قرآن مجید چنین آمده است: «وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (۱۱)؛ (و هر کس بر خدا توکل کند، پس خدا کفایت امرش را می کند).

امام علی (علیه السلام) نیز در این باره می فرماید: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَ تَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ وَ تَبَوَّأَ الْخَفْضَ وَ الْكَرَامَةَ» (۱۲)؛ (هر کس بر خدا توکل کند، امور سخت بر او آسان و اسباب حصول خواسته ها برایش تسهیل شود و در وسعت و کرامت فرود آید).

بنابر آنچه از آیه و حدیث فوق بر می آید انسان با توکل حمایت همه جانبه خدا دارد و سختی ها بر او آسان و دستیابی به خواسته ها برایش تسهیل می شود و به مقام کرامت دست می یابد.

اخلاص در عمل

اخلاص مقام بسیار والایی است که علمای اخلاق و عرفان روی آن تکیه فراوان کرده اند. فرد مخلص تمام نیت خود را متوجه خدا می کند و هر انگیزه ای غیر از انگیزه الهی را مردود می شمرد و تمام هستی خویش را در اختیار کسی می گذارد که همه هستی ها از آن او است، و

هر چه را غیر از او، باطل و فانی می داند. خداوند نیز چنین شخصی را مورد الطاف خاص خویش قرار می دهد. (۱۳)

خداوند در داستان یوسف در قرآن مجید، می فرماید: «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفُحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (۱۴)؛ (ما این چنین کردیم تا بدی و فحشا [و گناه] را از او دور سازیم، چرا که از بندگان مخلص ما بود).

این تعبیر نشان می دهد که هر کس «مخلص» باشد، به هنگامی که در کشاکش هیجان هوای نفس و وسوسه های شیطانی قرار می گیرد با امدادهای الهی از آن رهایی می یابد. جمله «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» از قبیل قیاس منصوص العله است و به مفهوم آیه عمومیت می دهد. (۱۵)

همچنین در حدیثی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» (۱۶)؛ (بنده ای برای خدا چهل صباح خالص نشود، مگر آنکه چشمه های حکم تاز قلب او بر زبان او جاری شود).

شکرگزاری

در قرآن و منابع روایی ما درباره مقام شاکرین و آثار شکرگزاری مطالب بسیاری وجود دارد که در اینجا به دو نمونه اشاره می شود:

۱. «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (۱۷)؛ (و همچنین به خاطر بیاورید هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت اگر شکرگزاری کنید، [نعمت خود را] بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید مجازاتم شدید است).

۲. امام علی (علیه السلام) نیز در این باره می فرماید: «شُكْرُ الْمُنْعِمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (۱۸)؛ (شکر و سپاس از نعمت دهنده رزق و روزی را افزایش می دهد).

صبر و استقامت

یکی دیگر از شروط جلب امدادهای الهی، خصوصاً حضور فرشتگان و امدادهای ویژه آنان، صبر و استقامت در کنار داشتن ایمان و تقواست. خداوند می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ» (۱۹)؛ (در حقیقت، کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می آیند).

حضرت موسی (علیه السلام) آنگاه که می خواهد قوم خود را آماده کند تا در برابر سختی ها و فشارهای فرعون تحمل خود را از دست ندهند به آنها سفارش می کند تا صبر و استقامت پیشه کنند و تقوای الهی را رعایت کنند تا خداوند نصرت و یاری خویش را شامل حال آنها کرده و وارث زمین شوند؛ «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۲۰)؛ (موسی به قوم خود گفت: از خدایاری جوید و پایداری ورزید، که زمین از آن خداست، آن را به هر کس از بندگان که بخواهد می دهد و فرجام نیک برای پرهیزگاران است).

یاری دین خدا

خداوند به کسانی که دین او را یاری نمایند وعده داده است که آنها را در مراحل زندگی و سختیها نصرت و یاری دهد و خداوند خلف وعده نمی کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَضَرَّوْا اللَّهُ يَضُرَّكُمْ وَ يُبَيِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (۲۱)؛ (ای کسانی که ایمان آورده اید اگر [ایین] خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می دارد).

تلاش و جهاد در راه خدا

یکی دیگر از عواملی که باعث جلب امداد الهی و هدایت و راهنمایی بیشتر انسان می شود جهاد و تلاش در راه خداست که در این باره خداوند می فرماید: «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (۲۲)؛ (و آنها که در راه ما [با خلوص نیت] جهاد کنند، قطعاً به راههای

خود، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است).

توبه و استغفار

توبه و استغفاریکی از ابواب مهم در منابع دینی ما است که آثار فراوانی در زندگی دنیوی و اخروی ما دارد و از عوامل مهم جلب عنایات الهی است که در اینجا به چند نمونه از آیات و روایات مربوط به آن اشاره می کنیم:

حضرت هود(علیه السلام) خطاب به قوم عاد می گوید: «وَايَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مَجْرِمِينَ» (۲۳)؛ (و ای قوم من از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا باران آسمان را پی در پی بر شما بفرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید و گنهکارانه، روی از حق بر نتابید).

در آیاتی دیگر از زبان حضرت نوح(علیه السلام) چنین آمده است: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَ يُمِدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (۲۴)؛ (به آنها گفتم: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است، و تا بارانهای پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد، و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغهای سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد).

امام علی(علیه السلام) درباره توبه می فرماید: «التَّوْبَةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ» (۲۵)؛ (توبه و بازگشت رحمت و آمرزش را فرود می آورد).

دعا و استغاثه

یکی دیگر از ابواب بسیار مهم در متون دینی ما دعا و استغاثه به درگاه خدا اولیاء الهی می باشد، بطوریکه رسول خدا(صلی الله علیه و آله) اصل و مغز عبادت را دعا برشمرده اند: «الدَّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ» (۲۶).

امام امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) نیز در وصیت خویش به فرزندان دربارہ دعا می فرماید: «اعْلَمَنَّ أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ مَلَكُوتِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ قَدْ آذَنَ لِدَعَاكَ وَ تَكْفَلُ لِجَابِتِكَ وَ أَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَ لِيُعْطِيكَ وَ هُوَ رَحِيمٌ كَرِيمٌ فَمَتَى شِئْتَ سَمِعْ نِدَاكَ وَ نَجِوَاكَ فَافْضَيْتَ إِلَيْهِ بِحَاجَتِكَ وَ ابْتِثْتَهُ ذَاتَ نَفْسِكَ وَ شَكُوتَ إِلَيْهِ هُمُومَكَ وَ اسْتَعْنَتْهُ عَلَى أُمُورِكَ ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدِكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا آذَنَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ فَمَتَى شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِالْدَّعَاءِ أَبْوَابَ خَزَائِنِهِ» (۲۷)؛ (بدان آنکه گنجینه‌های آسمانها و زمین‌ها بدست اوست، برای خواندن تو اجازه داده و ضامن برآوردن حاجت تو شده، او تو را فرمان داده که از او بخواهی تا به تو ببخشد، او مهربان و جودمند است. هر گاه بخواهی صدایت را می شنود، پس حاجتت را بسویش می افکنی و او را از گرفتاریهایت آگاه می کنی، غمهایت را با او در میان می گذاری، از او در کارهایت کمک می خواهی، بعد او کلیدهای گنجینه‌هایش را در دست تو قرار می دهد بواسطه اجازه‌ای که در خواهش به تو داده است، پس هر گاه بخواهی بوسیله دعا درهای گنجینه‌های او را باز می کنی).

دعا پشت سر برادران دینی آثار بسیار مطلوبی دارد. امام صادق(علیه السلام) در این باره می فرماید: «عَلَيْكَ بِالْدَّعَاءِ لِإِخْوَانِكَ بظَهْرِ الْغَيْبِ فَإِنَّهُ يَهِيلُ الرَّزْقَ» (۲۸)؛ (بر تو باد که در پشت سر برادرانت دعایشان کنی، زیرا که روزی را فرو ریزد).

خوش اخلاقی

امام صادق(علیه السلام) درباره آثار حسن خلق و تاثیر آن در جلب روزی می فرماید: «حَسَنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ» (۲۹)؛ (حسن خلق مایه افزایش روزی است).

نیت نیکو داشتن

امام صادق(علیه السلام) درباره خوش نیت بودن و آثار آن در زندگی فرد و

جلب الطاف الهی می فرماید: «مَنْ حَسُنَتْ نِيَّتُهُ زَادَ اللَّهُ فِي رِزْقِهِ» (۳۰)؛ (هر کس نیت او نیکو شود خداوند روزی او را زیاد می کند).

احسان و نیکوکاری

خداوند متعال به محسنین و انسانهای نیکوکار به قدر احسان و نیکوکاریشان علم و حکمت افاضه می نماید؛ لذا یکی از راههای جلب علم و حکمت که مهمترین تفضلات و امدادهای معنوی الهی بشمار می روند احسان و نیکوکاری می باشد. خداوند در این باره می فرماید: «آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (۳۱)؛ (ما به یوسف «حکم» (پیامبری) و «علم» دادیم و اینچنین نیکوکاران را پاداش می دهیم).

همچنین احسان و نیکوکاری عامل هدایت فرزندان و وجود انسانهای پاک و شایسته و اولیاء الهی در نسل انسان می شود؛ در این باره خداوند می فرماید: «وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَ نُوْحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (۳۲)؛ (و اسحاق و یعقوب را به او (ابراهیم) بخشیدیم و هر دو را هدایت کردیم و نوح را نیز پیش از آن هدایت نمودیم و از فرزندان او، داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم] این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم).

امام صادق(علیه السلام) هم درباره آثار نیکوکاری می فرماید: «إِنَّ الْبِرَّ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ» (۳۳)؛ (همانا نیکی کردن باعث زیاد شدن روزی می شود). در حدیثی دیگر نیز می فرماید: «مَنْ حَسَنَ بَرَّهُ بِأَهْلِ بَيْتِهِ زِيدَ فِي رِزْقِهِ» (۳۴)؛ (هر کس به خانواده خود نیکی کند روزی او زیاد می شود)، و در جای دیگر می فرماید باعث زیاد شدن عمر می شود.

پس احسان و نیکوکاری عامل جلب علم و حکمت و داشتن نسلی پاک و شایسته و ازدیاد روزی و طول عمر می گردد.

انصاف

انصاف نیز یکی از ارزشهای والای اخلاقی است که در دین ما به داشتن آن تاکید فراوانی شده است و آثار زیادی برای فرد دارد. انصاف یکی از راههای کسب و جلب عزتمندی و روحیه شکست ناپذیری در فرد می گردد.

امام علی(علیه السلام) در این باره می فرماید: «أَلَا إِنَّهُ مَنْ يَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا» (۳۵)؛ (آگاه باشید که هر که از خود به مردم انصاف دهد خداجز عزت او را نیافزاید).

امانتداری

امانتداری یکی از مواردی است که باعث درستی و سلامت دنیا و آخرت فرد و بی نیازی وی می گردد. در این رابطه لقمان به فرزندش می گوید: «يَا بَنِيَّ اذْكُرْ الْأَمَانَةَ تَسَلَّمَ لَكَ دُنْيَاكَ وَ آخِرَتُكَ وَ كُنْ أَمِينًا تَكُنْ غَنِيًّا» (۳۶)؛ (پسر جانم امانت را بپرداز تا دنیا و آخرتت درست و سالم بماند، و امین باش تا بی نیاز باشی).

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نیز می فرماید: «الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الْغِنَاءَ وَ الْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ» (۳۷)؛ (امانتداری بی نیازی را جلب می کند و خیانت فقر را).

امام صادق(علیه السلام) نیز در این رابطه می فرماید: «الْأَمَانَةُ غِنَى» (۳۸)؛ (امانتداری باعث بی نیازی است).

سخاوت

سخاوت یکی از ارزشهای والای اخلاقی در دین مبین اسلام است. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) درباره سخاوت و آثار مثبت آن برای شخص سخاوتمند می فرماید: «تَجَافَوْا عَنِ ذَنْبِ السَّخِيِّ فَإِنَّ اللَّهَ آخِذٌ بِبَيْدِهِ كُلَّمَا عَثَرَ وَ فَاتِحَ لَهُ كُلَّمَا افْتَقَرَ» (۳۹)؛ (از گناه شخص سخاوتمند بگذرید، زیرا خداوند دست او را هرگاه لغزشی پیدا کند می گیرد، و هر گاه تنگدست شود، دری به روی او می گشاید).

این حدیث به روشنی تاثیر سخاوت در

جلب دستگیری و گشایشهای الهی را بیان می نماید.

صله رحم

صله رحم یکی از دستورات مهم دین اسلام است که تاکید فراوانی به آن شده است و آثار زیادی در زمان حیات شخص دارد و باعث افزایش مال و طول عمر و دفع بلا می گردد. امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «صَلِّهِ الرَّحِمَ تَزَكَّى الْأَعْمَالُ وَ تَنْمَى الْأَمْوَالُ وَ تَيَسَّرُ الْحِسَابُ وَ تَدْفَعُ الْبَلْوَى وَ تَزِيدُ فِي الرَّزْقِ» (۴۰)؛ (همانا صله رحم عمل ها را پاک سازد و اموال را می افزاید و حساب را سبک کند، و بلا را بر اندازد، و عمر را زیاد می کند).

تلاوت قرآن

یکی از راههای جلب خیر و برکت و برخورداری از مواهب الهی تلاوت کلام خداوند است. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در این باره می فرماید: «تَوَرَّوْا بَيُّوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ أَمْتَعَ أَهْلُهُ وَ أَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نَجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا» (۴۱)؛ (خانه‌های خود را به خواندن قرآن روشن کنید، هرگاه تلاوت قرآن در خانه زیاد شود، خیر آن افزایش پیدا می کند، و اهل آن را برخوردار می سازد، و آن خانه به اهل آسمان نور می دهد، همان گونه که ستاره‌های آسمان به اهل زمین نور می دهند).

صدقه دادن

صدقه دادن یکی از دیگر امور مهم در دین اسلام است که باعث جلب روزی، دفع بلا، شفای بیماران و پرداخت بدهی می گردد. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در این باره می فرماید: «اَكْثَرُوا مِنَ الصَّدَقَةِ تَزْرُقُوا» (۴۲)؛ (صدقه بسیار دهید تا روزی شما فراوان شود).

همچنین در جای دیگر می فرماید: «اسْتَنْزِلُوا الرَّزْقَ بِالصَّدَقَةِ» (۴۳)؛ (روزی را بوسیله صدق هدان فرود آورید).

و باز می فرماید: «دَاوُوا مَرْضَاكُمُ

بِالصَّدَقَةِ» (۴۴)؛ (بیمارانتان را با صدقه درمان کنید).

امام صادق(علیه السلام) نیز می فرماید: «إِنَّ الصَّدَقَةَ تَقْضِي الدَّيْنَ وَ تَخْلِفُ بِالْبَرِّكَه» (۴۵)؛ (صدقه دین و بدهی را ادا می کند و بجای آن برکت می آورد).

ازدواج

ازدواج و اختیار همسر امری است که در دین اسلام تاکید فراوانی بر آن شده است. با ازدواج، شخصیت انسان تبدیل به یک شخصیت اجتماعی می شود و خود را شدیداً مسوول حفظ همسر و آبروی خانواده و تامین وسائل زندگی فرزندان آینده می بیند؛ به همین دلیل تمام هوش و ابتکار و استعداد خود را به کار می گیرد و با تلاش و صرفه جویی، در مدت کوتاهی می تواند بر فقر چیره شود و بدون شک امدادهای الهی و نیروهای مرموز معنوی نیز به کمک چنین افرادی می آیند که برای انجام وظیفه انسانی و حفظ پاکی خود اقدام به ازدواج می کنند. (۴۶)

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در این باره می فرماید: «اتَّخَذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقَ لَكُمْ» (۴۷)؛ (همسر برای خود اختیار کنید زیرا روزیتان فراوان گردد).

حضرت در جای دیگر باز می فرماید: «زَوِّجُوا أَيَّامَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَ يُوسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ يَزِيدُهُمْ فِي مَرْوَاتِهِمْ» (۴۸)؛ (با کنیزان بی همسر خود ازدواج کنید، زیرا خداوند متعال اخلاق آنان را نیکو می گرداند، در رزق و روزی آنها وسعت و برکت ایجاد می کند، و مروّت و شهامت آنان را افزون می نماید).

مداومت بر طهارت و وضو

مداومت بر داشتن طهارت و وضو باعث جلب و گسترش روزی می گردد. وقتی کسی به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) عرض کرد: دوست دارم روزی ام گسترش یابد، فرمود: «پیوسته در حال طهارت

باش، روزیت گسترش می یابد» (۴۹)

امام صادق (علیه السلام) نیز می فرماید: «الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (۵۰)؛ وضو گرفتن قبل و بعد از غذا خوردن موجب افزایش روزی می شود.

همسایه داری

در دین مبین اسلام توصیه های فراوانی در خصوص همسایگان و حفظ حقوق آنها و عدم آزار و اذیت آنها وارد شده است. بر همین مبنا برای حسن همجواری و همسایگی نیز آثار مثبتی ذکر کرده اند که امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید: «حُسْنُ الْجَوَارِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (۵۱)؛ (خوش همسایگی روزی را فراوان کند).

اینها مهمترین عوامل از صدها عواملی هستند که در متون دینی ما وارد شده اند و هر کدام به نوعی باعث جلب امدادهای الهی می شوند و به طور کلی می توان گفت که هر فعل و حرکت درست و خدایسندانه انسان می تواند منشاء جلب آثار و برکات و گشایشهای مادی و معنوی برای او گردد.

منبع:

- قرآن کریم.
- إرشاد القلوب إلى الصواب، دیلمی، حسن بن محمد، شریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ هـ ق، چاپ اول.
- بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ هـ ق، چاپ دوم.
- برگزیده تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۲ هـ ش، چاپ سیزدهم.
- پیام قرآن، مکارم شیرازی، ناصر، تهیه و تنظیم جمعی از فضلا، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ هـ ش، چاپ نهم.
- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: درایتی، مصطفی، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶ هـ ش، چاپ اول.
- الحیاء، حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، مترجم: آرام، احمد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ هـ ش، چاپ اول.
- الخصال، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ هـ ش، چاپ اول.

- عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ هـ ق، چاپ اول.
- الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ هـ ق، چاپ چهارم.
- مجموعه وزام، آداب و اخلاق در اسلام (ترجمه تنبیه الخواطر)، ابن ورام، ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مترجم: عطایی، محمد رضا، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹ هـ ش، چاپ اول.
- من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ هـ ق، چاپ دوم.
- منتخب میزان الحکمه، محمدی ری شهری، مترجم: حمیدرضا شیخی، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، قم، ۱۳۸۸ هـ ش، چاپ هشتم.
- النوادر، راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، محقق / مصحح: صادقی اردستانی، احمد، دارالکتاب، قم، بی تا، چاپ اول.
- نهج الفصاحه، پاینده، ابو القاسم، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ هـ ش، چاپ چهارم.

پی نوشت:

- قرآن کریم، سوره اسراء، آیه ۶.
- قرآن کریم، سوره کهف، آیه ۱۳.
- قرآن کریم، سوره یوسف، آیه ۲۲.
- قرآن کریم، سوره حج، آیه ۳۸.
- قرآن کریم، سوره کهف، آیه ۱۳.
- قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۹۶.
- قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۲۴.
- قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۲۰.
- قرآن کریم، سوره طلاق، آیات ۲ و ۳.
- قرآن کریم، سوره طلاق، آیه ۴.
- قرآن کریم، سوره طلاق، آیه ۳.
- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، محقق / مصحح: درایتی، مصطفی، ص ۱۹۷.
- پیام قرآن، ج ۷، ص ۶۹.
- قرآن کریم، سوره یوسف، آیه ۲۴.
- پیام قرآن، ج ۷، ص ۹۷.
- عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ابن بابویه، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج ۲، ص ۶۹.
- قرآن کریم، سوره ابراهیم، آیه ۷.
- بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۶۸، ص ۴۴، باب ۶۱.
- قرآن کریم، سوره فصلت، آیه ۳۰.
- قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۱۲۸.
- قرآن کریم، سوره محمد، آیه ۷.
- قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه ۶۹.
- قرآن کریم، سوره هود، آیه ۵۲.

معرفی کتاب

سیری در کتاب

«زندگی در پرتو اخلاق»

اثر ارزشمند حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)



سیری در کتاب اخلاق مقوله ایست چند وجهی که در دین مبین اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته است لذا یکی از الزامات زندگی مسلمانان تلاش برای رسیدن به اخلاق حسنه است.

دست یافتن به اخلاق نیکو خواسته ای مقدس و تلاش برای آن نشانه مسلمانی است. اما اخلاق مبحثی بسیار گسترده است به نحوی که در هر لحظه و در هر جنبه از زندگی انسان حضور دارد و آدمی به واسطه عمل و عکس العمل اخلاقی در هر موقعیتی از زندگی شکل می گیرد و شخصیت آن ساخته و معرفی می شود. شاید بسیاری از ما به دنبال راهنمایی می گردیم که به صریح ترین شکل، و آسان ترین روش، خلیات ناپسند را از خود دور سازیم و به اخلاق زیبا مزین شویم.

در این میان کتاب «زندگی در پرتو اخلاق» تألیف ارزشمند حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) از جمله کتاب های ساده و روان در این زمینه است که الفبا و کلیات اخلاق هم چون تهذیب نفس، راه

سعادت و خوشبختی، اخلاق بد و سنجش اعمال .. و البته مراحل کاربردی برای نیل به اخلاق نیکو را در زندگی، در اختیار ما قرار داده و به زیبایی به نقش اخلاقیات در پرورش انسان می پردازد. معظم له با توجه دادن انسانها به اهمیت اخلاق در زندگی برای آن جایگاه ویژه ای در نظر می گیرد.

بی تردید تربیت، معاشرت با نیکان و اهمیت محیط اجتماعی در تربیت انسان و بسیاری مطالب کاربردی دیگر، در این کتاب که به خوانندگان تقدیم شده است می تواند در یک نگاه کلی، راهنمای بسیار خوبی برای شناخت اهمیت اخلاقیات و راههای دستیابی به صفات پسندیده اخلاقی باشد.

انگیزه تالیف کتاب

مؤلف کتاب در تبیین چرایی نگارش این اثر با عنوان «در این کتاب به دنبال چه می گردیم؟» می نویسد: بن بستهای جهانی، ناله های قربانیان تجاوزها، جنگها، جنایتها و بردن روزافزون پیوندهای خانوادگی؛ همگی گواه یک حقیقتند که قوانین جاری دنیا با تمام تلاشی که ظاهراً در راه اصلاح و بهبود و اجرای آنها می شود نه تنها نتیجه ای برای بخشیدن یک زندگی ایده آل به انسانها نداشته، بلکه این امید را برای آینده نیز از بین برده است. [۱] بنابراین باید دید عیب کار کجاست و با تشخیص آن پیرامون راه حل آن بیندیشیم. [۲]

در مرحله اول به این نکته برخورد می کنیم که قوانین بین المللی هرگز نتوانسته اند کوچکترین گامی در اعماق وجدان بشری که الهام بخش تلاشها و کوششها و حرکات اوست بگذارند و از درون، نیروهای او را بسیج کنند و ریشه های درد را برکنند. [۳]

به راستی کدام قانون می تواند قدرت های

غربی و ثروتمندان دنیا را بر سر عقل و عاطفه انسانی بیاورد و به حمایت از میلیونها گرسنه آفریقایی دعوت کند؟ کدام قانون می تواند روح نوع دوستی را در آنها زنده کند، و به نجات جان میلیونها مردم مستضعف در جهان دعوت نماید؟ [۴]

کدام قانون می تواند غریزه های سرکش و ویرانگر قدرتهای عظیم صنعتی را در مسیر عمران و آبادی کشورها به کار گیرد؟ آیا قانونی توانایی دارد در قلمرو روح و جان ایشان نفوذ کند و این دگرگونیها را بوجود آورد؟ بدیهی است در میان قوانین کنونی پاسخ منفی است. [۵]

اینجاست که ضرورت پرورش و توسعه اصل دیگری به نام «اخلاق» روشن می شود، اصلی که به درون جان آدمی راه پیدا می کند، او را زیر و رو کرده و شخصی تازه با صفاتی عالی و آسمانی و به معنی واقعی کلمه، انسانی می سازد. [۶] آری باید این اصل را زنده کرد. و کتاب حاضر نیز به همین منظور نوشته شده و از منابع غنی و پرمایه اسلامی ریشه گرفته است. [۷]

با این اوصاف مؤلف کتاب زندگی در پرتو اخلاق، به بررسی مسائل تربیتی و راهکارهای اسلام برای اصلاح اخلاق فرد و جامعه پرداخته که به بیان معظم له، به دنبال زنده کردن اصل اخلاق در جامعه است.

ساختار کلی کتاب

کتاب زندگی در پرتو اخلاق، از مقدمه صاحب اثر و متن اصلی شامل ده مبحث اصلی و دهها بحث فرعی اخلاقی تشکیل شده است. که فصول ده گانه آن عبارتند از:

۱. اخلاق و تربیت ۲. اصول چهارگانه اخلاق

از نظر قدمای ۳. نخستین گام در راه تهذیب اخلاق پس از آشنایی با الفبای این علم ۴. راستی بارزترین نشانه شخصیت ۵. غیبت ۶. سوءظن و بدگمانی ۷. اجتماع سالم در پرتو اخلاق ۸. واحدهای اجتماعی ۹. راه تسخیر دلها ۱۰. رابطه اخلاق و تربیت.

معرفی اجمالی کتاب «زندگی در پرتو اخلاق»

مرجع عالیقدر جهان تشیع در این کتاب چند موضوع مهم اخلاقی هم چون ارزش اخلاق در پیشرفت جامعه، راستی، غیبت، سوء ظن، آداب بحث و گفتگو را با استفاده از آیات و روایات توضیح داده است. زبان و ادبیات نویسنده رسا و شیوا و متناسب با فرهنگ امروز است.

مؤلف در ابتدا به بررسی بعضی مسائل نظری علم اخلاق پرداخته و بعد از اثبات اصلاح پذیری اخلاق و بیان اینکه این اصلاح باید در بستر اجتماع شکل بگیرد نه انزوا، گام هایی را برای تهذیب اخلاق بیان نموده و در این راه اولین گام را اصلاح زبان دانسته است.

معظم له بعد از بیان چند نمونه از این گامها، به اخلاق اجتماعی اشاره نموده و با بررسی خاستگاه اجتماع و لزوم اصلاح اخلاق جامعه به بیان موضع اسلام در مورد اخلاق جامعه پرداخته است. در این قسمت عوامل اساسی در تعالیم اسلام که زمینه ساز تشکیل جامعه واحد جهانی است مطرح شده است.

بخش بعدی کتاب، به دنبال پاسخی برای این پرسش کلیدی است که: «چه کنیم که پندها و اندرزاها و سخنان ما در دل دیگران مؤثر بیفتد؟»

در فصل پایانی کتاب نیز مؤلف، رابطه اخلاق و تربیت از نگاه اسلام را بیان نموده و رابطه تربیت و شکل گیری شخصیت را بررسی کرده است.

گزارش محتوایی اثر

هر چند درباره محتوای این اثر گرانسنگ، گفتنی‌ها فراوان است ولی به جهت رعایت اختصار به ذکر نمونه‌هایی کوتاه و گویا از

مطالب آن اکتفا می‌شود:

نقش اخلاق در تعدیل غرایز سرکش انسانی

مؤلف در مقدمه کتاب با نقد دیدگاههای غربی می نویسد: «... قوانین جاری دنیا با تمام تلاشی که ظاهراً در راه اصلاح و بهبود و اجرای آنها می شود نه تنها نتیجه ای برای بخشیدن یک زندگی ایده آل به انسانها نداشته، بلکه این امید را برای آینده از بین برده است. نمی دانم تا به کی باید این اصول فرسوده را آزمود و بازهم آزمود، اینها حتی نمی توانند از متولیان خود حمایت کنند تا چه رسد به دیگران؟» [۸].

مؤلف معتقد است اخلاق است که می تواند انسان را در برابر غریزه سرکش و ویرانگر خود رام و احساسات او را تلطیف کند و او را فردی درستکار و خیراندیش برای اجتماع تبدیل نماید.

نویسنده اثر در ادامه اخلاق را به عنوان مهمترین اصل در پویایی زندگی اجتماعی بر می شمرد و می نویسد: «اصل «اخلاق» اصلی است که همچون امواج نیرومند از هر مانعی عبور می کند و به درون جان آدمی راه پیدا کرده و او را زیر و رو کند؛ در نتیجه افق وسیع فکر او، سبب می شود از مزاحمتها، تجاوزها، تنگ نظریها، و انتقام جوییها بر کنار بماند، و با دیگر هموعان خود یک واحد حقیقی تشکیل دهد.» [۹]

تربیت: مهمترین ابزار در تحقق شخصیت انسان

معظم له در کتاب «زندگی در پرتو اخلاق» ، «تربیت» را مهمترین ابزار برای ساختن انسان واقعی می داند. ایشان انسان را موجودی تغییر پذیر می داند که به واسطه تربیت، صفات شایسته در او استوار می شوند. البته تربیتی که بر مبنای فرامین نورانی دین اسلام و برگرفته از آیات قرآن مجید و سخنان پند دهنده پیامبر اکرم (ص) و خاندان پاک اوست. این نوع تربیت اسلامی به فرد می آموزد که چگونه صفات نیک را در خود پرورش دهد و چگونه با هوس های سرکش نفس خود مبارزه کند. لذا مؤلف در

آن اثر برخی نظریه های فیلسوفان غربی را در زمینه علم اخلاق نقد کرده و برخی اندیشه های غربی را نیز در این زمینه ستوده است.

نقش و جایگاه زبان در تربیت دینی و اخلاقی

معظم له در مورد اهمیت زبان در مسائل اخلاقی چنین نوشته است: «اصلاح «زبان» و گفتار از آن جهت اهمیت فوق العاده در بحث‌های اخلاقی به خود گرفته که زبان، ترجمان دل و نماینده عقل و کلید شخصیت انسان است و مهم‌ترین دریچه‌ای می‌باشد که به روح انسان گشوده می‌شود. اهمیت اصلاح زبان آنگاه آشکارتر می‌گردد که بدانیم قسمت مهمی از گناهان، مانند قسمت مهمی از اعمال نیک به وسیله زبان انجام می‌گیرد. مرحوم «فیض» در کتاب «محجة البیضاء» و «غزالی» در «احیاء العلوم» بحث بسیار مشروحی تحت عنوان «گناهان زبان» ذکر کرده‌اند؛ از جمله غزالی بیست نوع انحراف و گناه برای زبان نقل نموده است و مواردی از آفات زبان هم هست که در کلام او ذکر نشده است. جای تردید نیست که مسأله اصلاح زبان باید به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل اخلاقی مورد مطالعه و تعلیم قرار گیرد» [۱۰]

صداقت؛ اعتماد و اعتبار

هم چنین نویسنده تأکید کرده است: از نظر اجتماعی بزرگ‌ترین خدمتی که صدق و راستی می‌تواند به انسانها کند، مسأله جلب اطمینان و اعتماد است. البته می‌دانیم تمام پیشرفت‌های علمی و صنعتی و اقتصادی که نصیب بشر شده مولود سیستم زندگی او، یعنی زندگی دسته‌جمعی است؛ ولی همکاری و همفکری که اساس زندگی دسته‌جمعی است در صورتی میسر است که افراد نسبت به هم اعتماد و اطمینان کامل داشته باشند. در غیر این صورت مشکلات زندگی دسته‌جمعی، مزاحمت‌ها، نزاع‌ها، کشمکش‌ها و کارشکنی‌ها را خواهند داشت بدون اینکه از فواید آن بهره‌مند گردند. بدیهی است مهم‌ترین و مؤثرترین وسیله

جلب اطمینان و اعتماد همان «صدق و راستی» و خطرناک‌ترین دشمن آن دروغ است. [۱۱]

غیبت چه کسی مجاز است؟

صاحب اثر در این زمینه یادآور شده است: آنچه از احادیث برمی‌آید این است که فرد متجاهر، اصولاً احترام ندارد (همان احترامی که وجود آن، مانع از جواز غیبت است). به عبارت دیگر این‌گونه افراد (و افراد ستمگر و بدعت‌گزار) از نظر «شخصیت اجتماعی» محترم نیستند و هتک حیثیت آنها ممنوع نمی‌باشد و به همین دلیل ترک غیبت و حفظ آبروی آنها لازم نیست. اگر ما از احادیث فوق چنین استفاده کنیم همان‌طور که تعبیر «لا غیبة له» و «لا حرمة له» و امثال آن گواهی می‌دهد مطلب روشن می‌گردد و نیازی به توضیح زیاد پیدا نمی‌کند؛ زیرا اصولاً ادله عقلی و نقلی حرام بودن غیبت شامل چنین کسی نخواهد بود. ولی باید توجه داشت که ظاهراً منظور از متجاهر، هر کسی است که به کلی پرده حیا را دریده و در برابر گناهان جسور و بی‌باک است، و شامل تمام افرادی که به علتی دست به یک گناه علنی می‌زنند نمی‌شود، بنابراین در مورد این اشخاص تنها در موردی که متجاهرند، می‌توان غیبت کرد. [۱۲]

رهبانیت از دیدگاه اسلام

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) در تبیین دیدگاه اسلام در مورد رهبانیت این چنین می نویسد: «اسلام، «انزوای اجتماعی» و همه مظاهر آن را که از آن تعبیر به «رهبانیت» نموده است، محکوم می‌کند. حدیث معروف «لا رهبانیه فی الإسلام» را در بسیاری از کتب حدیث نقل کرده‌اند، و «رُهبانیه» (بضم راء) و «رُهبانیه» (بفتح راء) منسوب به «رُهبان» و «رُهبان» هر دو یک معنی دارد؛ در اصل لغت از ماده «رهب» به معنی خوف، وحشت و ترس گرفته شده و در عرف به کسانی گفته می‌شود که «انقطاع و انفراد از مردم پیدا می‌کنند به خاطر عبادت و ترس از خدا».

[۱۳]

تحقق ملکات اخلاقی؛ اینگونه و اینچنین...

هم چنین مؤلف چگونگی ایجاد یک «ملکه اخلاقی» را مورد واکاوی قرار داده است. چرا که «هر عمل خوب یا بد اثری موافق خود در روح انسان باقی می‌گذارد و روح انسان را به سوی خود جذب می‌کند. تکرار یک عمل این اثر را بیشتر می‌نماید و کم کم کیفیتی به نام عادت حاصل می‌شود و اگر بیشتر شود به صورت ملکه درمی‌آید و به این ترتیب تمایل درونی انسان به ریشه دار شدن عادات و ملکات نسبت به عمل بیشتر می‌گردد.» [۱۴] لذا در بخشی از این اثر فاخر می‌خوانیم: «چون وضع جهان دیگر در حقیقت تجسمی از وضع این جهان می‌باشد ممکن است آن «صراط» تجسمی از همین اعتدال ملکات اخلاقی در این دنیا بوده باشد.» [۱۵]

چرا از جر و بحث نتیجه نمی‌گیریم؟

معظم له در فراز پایانی کتاب تحت عنوان «راه تسخیر دلها»، مطالبی مطرح کرده که در جای خود بسیار مهم و راهبردی است از جمله اینکه معظم له با طرح این پرسش که چرا از مباحثات خود نتیجه نمی‌گیریم؟ چنین پاسخ داده است: «برای اینکه این بحث‌ها به منظور پی‌جویی از حقیقت نبوده، بلکه به‌خاطر غلبه و پیروزی بر حریف صورت گرفته است، و میان این دو فرق بسیار است؛ اگر چه در ظاهر یکی می‌باشند. هدف از تحقیق و پی‌جویی حقیقت، این است که چیزی را به کسی که ندارد بدهند، بدون اینکه چیزی از او بگیرند، یعنی تعلیمی به او بدهند بدون اینکه شخصیت او را درهم بشکنند. اما هدف مشاجرات و جدال‌های به ظاهر منطقی این است که افتخار و غرور و شخصیت را از طرف بگیرند و عواطف او را جریحه‌دار سازند؛ در برابر تعلیم دادن چیزی که شاید در نظر او یا در واقع چندان مهم و جالب نباشد. بنابراین جای تعجب نیست اگر در برابر آن مقاومت نشان دهد و از آن متنفر باشد. هرگز نادانی را به قوه منطقی و به‌صورت جدال نمی‌توان متقاعد نمود.

بهترین وسیله برای پیروزی در بحث، احتراز از بحث است، اصولاً بحث‌هایی که به‌صورت کشمکش یا هجوم و دفاع و به تعبیر عادی «جر و بحث» درمی‌آید کمتر ممکن است اثر قابل ملاحظه‌ای در جلب موافقت باطنی افراد از خود بگذارد و اینکه می‌بینیم طرف مقابل مقاومت به خرج می‌دهد نشانه این است که چیزی از شوون خود را در خطر می‌بیند.» [۱۶]

اصول نگارشی کتاب

در خاتمه باید گفت کتاب «زندگی در پرتو اخلاق» اثری کاملاً مستند است و مؤلف، ارجاعات را به‌صورت پاورقی ذکر کرده است، لذا در پاورقی‌ها نام و نشان آیات بیان شده و منابع با ذکر نام نویسنده، کتاب و شماره جلد و صفحه مورد اشاره قرار گرفته است؛ گاه افزون بر ذکر منابع، توضیحاتی نیز بیان شده و یا به‌طور مستقل، اصطلاحاتی، شرح داده است.

لازم به ذکر است این کتاب نفیس نخستین بار در سال ۱۳۵۲ نگاشته و منتشر شده است؛ لیکن چاپ جدید آن اثر گرانبها در سال ۱۳۸۰ در یک جلد و در ۲۶۱ صفحه، در قطع رقعی توسط انتشارات سرور به زیور طبع آراسته شده که تا کنون نیز چندین مرتبه تجدید چاپ شده است.

پی‌نوشت:

- [۱] زندگی در پرتو اخلاق، ص ۱۱.
- [۲] همان؛ ص ۱۲.
- [۳] همان.
- [۴] همان.
- [۵] همان.
- [۶] همان؛ ص ۱۳.
- [۷] همان.
- [۸] همان؛ ص ۱۱.
- [۹] همان؛ ص ۱۳.
- [۱۰] ر.ک: متن کتاب؛ ص ۷۱-۷۵.
- [۱۱] همان؛ ص ۸۵.
- [۱۲] ر.ک: همان؛ ص ۱۳۰-۱۳۱.
- [۱۳] همان؛ ص ۱۷۳-۱۷۴.
- [۱۴] همان؛ ص ۱۸.
- [۱۵] همان؛ ص ۱۴۷.
- [۱۶] همان؛ ص ۲۳۳-۲۳۵.

گروه جهادی تبلیغی بلیغ

این گروه متشکل از جمعی از طلاب حوزه علمیه و علاقه مندان به مرجعیت شیعه در سال ۱۳۹۶ با رویکرد فعالیت تبلیغی با تاکید بر استفاده حداکثری از فضای مجازی تحت اشراف پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) شروع بکار نمود.

اهداف و رویکرد ها

هدف از تشکیل این گروه ساماندهی شبکه‌ی مویرگی ارتباط بین مرجعیت و اساتید حوزه و روحانیون اعزامی به مناطق مختلف با عموم محبین اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌باشد و با بهره‌مندی از امکانات مراکز دیگر تحت اشراف معظم‌له از قبیل مراکز تخصصی و مرکز فن آوری اطلاعات و ... به آموزش و مدیریت هوشمندانه جهاد گران فضای مجازی پرداخته و از این طریق به دفاع

از اعتقادات بر حق تشیع در عرصه های مذهبی، فرهنگی، سیاسی و ... می‌پردازد. **رئوس فعالیت‌ها و مراکز شرکت کننده در طرح جامع سایبری و اهم فعالیت‌ها**

تشکیل شبکه ارتباطی فعال و واکنش‌گرا بین مرجعیت و اساتید سطوح حوزه علمیه و ائمه جمعه سراسر کشور و نمایندگان مجمع طلاب و بسیج این گروه‌ها و دیگر فعالان فرهنگی تبلیغی کشور در جهت حرکت آفندی و پدافندی هوشمندانه‌حضور در فضای مجازی توسط طلاب و متخصصین جهت پاسخ به شبهات و نشر معارف اسلامی. ارتباط گیری با مراکز فرهنگی تبلیغی فعال (به خصوص در فضای مجازی) تشکیل نشست هم اندیشی بین فعالان مراکز فرهنگی تبلیغی فعالیت‌گیری حقوقی

رصد های صورت گرفته از عملیات جنگ روانی معاندین و دفاع از ساحت مقدس اهل بیت علیه السلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی و مرجعیت شیعه اعلی الله مقامهم الشریف آموزش طلاب و اساتید حوزه علمیه کشور برای حضور فعال در عرصه تبلیغی فضای مجازی و استفاده از ابزارهای نو آمدراه اندازی کمپین های مختلف با استفاده از قابلیت های متعدد گروه جهادی تبلیغی

کانال های مورد تایید پایگاه اطلاع رسانی معظم له

لازم به ذکر است تمام فعالیت های پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) در شبکه های اجتماعی توسط گروه جهادی بلیغ به شرح ذیل انجام می شود و سایر کانال ها و صفحات مورد تایید نیست.

ربات پاسخگویی به سوالات شرعی

https://t.me/Makarem_Istifta_Bot

پیام رسان سروش

<http://sapp.ir/makarem.ir>

هر روز با قرآن

<http://sapp.ir/makaremtafsir>

تقویم اسلامی

<http://sapp.ir/makaremtaghvim>

مفاتیح نوین

<http://sapp.ir/mafatiholjenan>

احکام ویژه ۶۰۰ مسئله

<http://sapp.ir/makarem600>

نهج البلاغه

<http://sapp.ir/makaremnahj>

مکارم مدیا

<http://sapp.ir/makaremmedia>

سوالات شرعی

<http://sapp.ir/makaremahkam>

شبهات کلامی

<http://sapp.ir/makaremdoubts>

یکصد و پنجاه درس زندگی

<http://sapp.ir/makarem150>

دروس خارج فقه معظم له

<http://sapp.ir/makaremdars>

معرفی کتاب

<http://sapp.ir/makaremliber>

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی شیرازی

<http://sapp.ir/makarem110>

ایثار ادامه دارد

http://sapp.ir/isaar_edameh_darad

اخبار و رویداد ها

<http://sapp.ir/makaremnews>

وجوهات

<http://sapp.ir/makaremvojoohat>

گروه جهادی بلیغ

<http://sapp.ir/makarembaligh>

مکارم ۲۰۳۰

<http://sapp.ir/makarem2030>

پیام رسان تلگرام

https://t.me/makarem_ir

هر روز با قرآن

<https://t.me/makaremtafsir>

تقویم اسلامی

<https://t.me/makaremtaghvim>

مفاتیح نوین

<https://t.me/mafatiholjenan>

احکام ویژه ۶۰۰ مسئله

<https://t.me/makarem600>

نهج البلاغه

<https://t.me/makaremnahj>

مکارم مدیا

<https://t.me/makaremmedia>

سوالات شرعی

<https://t.me/makaremahkam>

شبهات کلامی

<https://t.me/makaremdoubts>

یکصد و پنجاه درس زندگی

<https://t.me/makarem150>

دروس خارج فقه معظم له

<https://t.me/makaremdars>

معرفی کتاب

<https://t.me/makaremliber>

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی شیرازی

<https://t.me/makarem110>

ایثار ادامه دارد

https://t.me/isaar_edameh_darad

اخبار و رویداد ها

<https://t.me/makaremnews>

وجوهات

<https://t.me/makaremvojoohat>

گروه جهادی بلیغ

<https://t.me/makarembaligh>

مکارم ۲۰۳۰

<https://t.me/makarem2030>

کانال اطلاع رسانی کنگره بین المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی با اشراف حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی (مد ظله)

https://t.me/shia_congress_fa

کنگره و همایش تحت اشراف حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

<https://t.me/makaremcongress>

اینستاگرام

https://www.instagram.com/makarem_ir_official/

https://www.instagram.com/makarem_ir_page/

https://www.instagram.com/makarem_ahkam/

https://www.instagram.com/isaar_edameh_darad/

گپ

https://gap.im/makarem_ir

بیسفون

https://bisphone.com/makarem_ir

کلوب پایگاه اطلاع رسانی دفتر مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

<http://www.cloob.com/makarem.ir>

رصد؛ پاسخ به شبهات و اخبار گروه جهادی تبلیغ مجازی

<http://www.cloob.com/rasadjahadi>

شماره تماس (فعال در پیام رسان ها): ۰۹۱۲۰۵۲۳۵۳۱

جایگاه و حکمت سفر و جهانگردی در اسلام

پرسش: سفر و جهانگردی از دید اسلامچه جایگاه و حکمتی دارد؟

پاسخ اجمالی: سفر و مسافرت در اسلام از اهمیت بالایی برخوردار می باشد. چنانکه سفر در مواردی «واجب» یا «مستحب» دانسته شده است. مسافرت از دید اسلام حکمت و آثاری داشته و یا با اهداف خاصی توصیه شده است؛ بعضی از این حکمتها عبارتند از: عبرت آموزی درسفر به اماکن تاریخی، تدبیر در آیات و نشانه های خداوند در سفر به دامن طبیعت، صلح رحم، زیارت اولیای الهی، کسب دانش و تجربه، تفریح سالم و کسب تندرستی، کسب روزی، آموختن دین و ...

پاسخ تفصیلی:

اهمیت سفر در اسلام

سفر در اسلام دارای ارزش و جایگاه والایی است. قرآنکریم به عنوان منبع اولیه معارف اسلامی، هفت مرتبه انسان را به «سیر فی الارض» یا گردش در روی زمین فرا خوانده است. (۱) در حدیثی به نقل از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آمده است: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ رَحْمَةَ اللَّهِ لِلْمُسَافِرِ لَأَصْبَحَ النَّاسُ عَلَى ظَهْرِ سَفَرٍ إِنَّ اللَّهَ بِالْمُسَافِرِ رَحِيمٌ» (۲)؛ (اگر مردم شفقت و رحمت خدایه مسافر را می دانستند، همگی اقدام به مسافرت می کردند، همانا خداوند به مسافران مهربان است).

به دلیل اهمیت مسافرت در اسلام، سفر در «احکام فقهی» مشمول «احکام پنجگانه» شده و در مواردی «واجب» یا «مستحب» دانسته شده است؛ چنانکه «سفر به قصد کار کردن برای تامین معاش خود و کسانی که نفقه آنان بر انسان واجب است»، «سفر برای تحصیل علم واجب، در صورتی که در وطنش تحصیل آن ممکن

نباشد»، «سفر برای انجام حجاج» و «سفری که با نذرواجب شود»، در زمره سفرهای واجب قرار می گیرد و «مسافرت به قصد زیارت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم(علیهم السلام)»، سفر برای زیارت پدر و مادر و برای صلح ارحام و دیدار دوستان و زیارت تمام زادگان و علما و... مستحب می باشند. (۳)

تاکید اسلامبر مسافرت و مشمول کردن آن به احکام پنج گانه اسلامی نشان می دهد که سفر دارای حکمت و آثاری می باشد و با اهداف خاصی توصیه شده است؛ در این مجال به بررسی بعضی از این حکمتها، آثار و اهداف در عنوان ذیل می پردازیم:

عبرت آموزی در سفر به اماکن تاریخی:

قرآن در آیات متعددی مردم را به گردش در روی زمین دعوت کرده تا درباره سرنوشت پیشینیان تفکر کنند و از عاقبت آنها درس عبرت بگیرند. خداوند سنتهایی در اقوام پیشینیان داشته که این سنتها هرگز جنبه اختصاصی ندارد و به صورت یک سلسله قوانین حیاتی در باره همگان، گذشتگان و آیندگان، اجرا می شود. تاریخ، خصوصیات اخلاقی و کارهای نیک و بد و تفکرات گذشتگان را برای ما بازگو می کند، و علل سقوط و سعادت، کامیابی و ناکامی جامعه ها را در اعصار و قرون مختلف نشان می دهد، و در حقیقت تاریخ گذشتگان آینه زندگی روحی و معنوی جامعه های بشری و هشدار است برای آیندگان. به همین جهت قرآنمجید به مسلمانان دستور می دهد: بروید در روی زمین بگردید و در آثار پیشینیان و ملت های گذشته و زمامداران و فراعنه گردنکش و ستمگر دقت کنید، و ببینید عاقبت کار آنها که کافر شدند، و پیامبران خدا را تکذیب کردند و بنیان ظلم و فساد را در زمین گذاردند، چگونه بود؟ و سرانجام کار آنها به کجا رسید؟

آثاری که در نقاط مختلف روی زمین از

دوران های قدیم باقی مانده اسنادزنده و گویای تاریخ هستند، و حتی ما از آنها بیشتر از تاریخ نوشته شده بهره مند می شویم. مطالعه یک سطر از این تاریخ های زنده معادل مطالعه یک کتاب قطور تاریخی است و اثری که این مطالعه در بیداری روح و جان بشر دارد با هیچ چیز دیگری برابری نمی کند. به همین دلیل قرآنمجید دستور می دهد که مسلمانان در روی زمین به سیر و سیاحت پردازند و آثار گذشتگان را در دل زمین و یا در روی خاک با چشم خود ببینند و از مشاهده آن عبرت گیرند. چنانکه به عنوان نمونه در آیه ۱۱ سوره انعام می فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»؛ (ای پیامبر! بگو: روی زمین سیر کنید؛ سپس بنگرید سرانجام تکذیب کنندگان آیات الهی چگونه بود؟! (۴)

اندیشه در نشانه های خداوند در سفر به دامن طبیعت:

افزون بر ۷۵۰ آیه از قرآن به پدیده های طبیعی اشاره و بیش از ده درصد آیات این کتاب به موضوع طبیعت اختصاص یافته است. (۵) هدف این آیات توجه دادن به شگفتی های طبیعت و بیان قدرت الهی در آفرینش می باشد. بعضی از این آیات انسان را برای تدبیر در این شگفتی ها، دعوت به سفر در گستره طبیعی زمین نموده است. به عنوان مثال خداوند در آیات ۱۹ و ۲۰ سوره عنکبوت برای اثبات امکان معاد می فرماید: «أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ (آیا آنان ندیدند چگونه خداوند آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را باز می گرداند؟! این امر بر خدا آسان است. بگو: در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند [به همین گونه] جهان آخرت را ایجاد می کند؛ به یقین خدای هر چیزی

تواناست).

ممکن است پرسیده شود که چرا همیشه سفر به طبیعت و بازدید از آثار باستانی آثار مد نظر اسلامندار؟! مسلماً آیات الهی خواه آفاقی باشد یا انفسی، و خواه مربوط به درس های عبرتی باشد که در سرگذشت پیشینیان بوده، برای همه انسان هاست، ولی از آن جا که همگی از آن بهره نمی گیرند قرآنی گوید: «در این امور نشانه هایی برای افراد آگاه و عالم است» و گاه می فرماید: «برای افراد باتقوا» و گاه می فرماید: «برای افراد کنجکاو شکبیا و شکرگزار»، اشاره به این که تنها این گروه ها به خاطر زمینه های مساعدی که دارند از این آیات منتفع می شوند. (۶)

صلح رحم:

دیدار خویشاوندان، نزدیکان و دوستان یکی از اهداف مهم گردش گری دینی است که از آن به «صلح رحم» تعبیر می شود. در دستورات دین اسلامسفرارش فراوانی درباره آن رسیده است. رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) می فرماید: «أَوْصِيَ الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَ الْعَائِبَ مِنْهُمْ وَ مَنْ فِي أَضْلَابِ الرَّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَنْ يَصِلَ الرَّحِمَ وَ إِنْ كَانَتْ مِنْهُ عَلَى مَسِيرِهِ سَنَةٌ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ» (۷)؛ (همه افراد امتم به حاضر و غایب شان حتی آنان که در رحم مادر و پشت پدرانشان هستند سفارش می کنم که به خویشان خود بیوندند هر چند یک سال راه پیش رو داشته باشند). (۸)

از جمله آثار مهم روانی و تربیتی سفر، پیوندهای عاطفی با همسفران، ارتباط با خویشان و صلح ارحام، دیدار همفکران و آشنایی با انسان های مسئولیت پذیر است. دیدار خویشاوندان از مبارکترین رویداد هایی است که در زندگی هر انسانی روی می دهد. راهی شدن برای صلح رحمشادابی روح، تقویت اراده، دل گرمی، پشتکار، پاداش و ثواب بی شمار دارد و ترک آن به صلاح دین و دنیای

هیچ مسلمانی نیست. امام باقر(علیه السلام) در این باره می فرماید: «صَلَةُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسَمِّحُ الْكُفَّ وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تُنَسِّئُ فِي الْأَجَلِ» (۹)؛ (صلح رحم خلق را نیکو دست را با سخاوت و نفس را پاکیزه می گرداند روزی را افزون می کند و مرگ را به تاخیر می اندازد). (۱۰)

کسب معاش:

سفر برای به دست آوردن روزی حلال در اسلاممورد تاکید قرار گرفته است. چنانکه امام سجاد(علیه السلام) می فرماید: «سَافِرُوا تَصِحُّوا وَ تَرُزُقُوا» (۱۱)؛ (سفر کنید تا تندرست شوید و روزی یابید) و مسافرت را سبب وسعت رزق و روزی بندگان خدای دانند: «...وَ تَتَسَّعُ أَرْزَاقُكُمْ» (۱۲)؛ (و رزق شما توسعه یابد). امام صادق(علیه السلام) نیز در کلامی نورانی می فرماید: «لَا تَدْعُ طَلَبُ الرِّزْقِ مِنْ جِلْهِ، فَإِنَّهُ أَعْوَنُ لَكَ عَلَى دِينِكَ» (۱۳)؛ (طلب روزی حلال را فرو مگذار، که روزی حلال تو را در دینداری کمک می کند). آن حضرت در کلام دیگری فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِيَجِبَ الْإِغْتِرَابَ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ» (۱۴)؛ (خداوند محنت غربت کشیدن را برای طلب روزی دوست می دارد). در بیان دیگر، سفر را موجب جلب روزی می داند: «اشْخَصْ يَشْخَصْ لَكَ الرِّزْقُ» (۱۵)؛ (سفر کن تا روزی بسوی تو سفر کند).

سفر مهاجرت:

سفر می تواند انگیزه های مختلفی داشته باشد؛ اما گاهی مهاجرت برای حفظ دین و یا جان واجبی شود. پیامبر اکرم در این باره می فرماید: «مَنْ قَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَ إِنْ كَانَ شِبْرًا مِنَ الْأَرْضِ اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ وَ كَانَ رَفِيقَ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ وَ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله» (۱۶)؛ (هر کس به خاطر دینش از جایی به جایی بگریزد، هر چند که یک وجب زمین باشد، بهشتبر او واجبشود، و همراه پدرش ابراهیم و پیامبرش محمد(صلی

الله علیه و آله) باشد).

تفریح سالم و کسب تندرستی:

آموزه های دینی به سلامتی و تفریحات سالم اهمیت ویژه ای داده است. شادابی و تندرستی لازمه زندگی است. افرادی که در کارهایشان با نشاط تر هستند، موفقیت آنها از دیگران بیشتر است. سفرکردن یکی از راه های بدست آوردن سلامتی می باشد. رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) فرمود: «سَافِرُوا تَصِحُّوا» (۱۷)؛ (سفر کنید تا تندرست باشید). امام سجاد(علیه السلام) فرموده اند: «حُجُّوا وَ اعْتَمِرُوا تَصِحُّ أَبْدَانُكُمْ» (۱۸)؛ (به حج و عمره بروید تا بدن های شما سالم بماند). در این دو روایت، سلامتی و تندرستی در گرو سفر تضمین شده است. به این معنا که اگر به سلامتی خود می اندیشید مسافرت کنید، چون در مسافرت هم تفریح هست و هم تندرستی بدست می آید.

امام علی(علیه السلام) می فرماید: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ طَالِباً لِثَلَاثٍ مَرَمَهُ لِمَعَاشٍ أَوْ تَزْوُودٍ لِمَعَادٍ أَوْ تَلَذُّذٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ» (۱۹)؛ (خردمند از شهری به شهری او از کشوری به کشور دیگر نمی رود مگر برای یکی از این سه چیز، کسب حلال برای گذراندن زندگی، گام نهادن در راه آخرتو برخورداری از لذت حلال). سفر کردن در حقیقت، بهره گیری از امکانات طبیعی و هم نوایی با طبیعت است که همیشه سرشار از زیبایی، روح و روان آدمی را شاداب می سازد و در پی سلامت روح، جسم آدمی نیز با طراوت می شود. (۲۰)

زیارت اولیای الهی:

یکی از تاثیر گذار ترین سفر ها، سفر به قصد زیارت اولیای الهی است. در اسلام زیارت اولیای الهی یکی از بهترین توشه های آخرت شمرده شده و بسیار مورد سفارش قرار گرفته است. امام صادق(علیه السلام) از قول پیامبر(صلی الله علیه و آله) نقل می کند: «مَنْ أَتَانِي زَائِرًا وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي وَ مَنْ وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي

وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» (۲۱)؛ (هر کس به قصد زیارتن بیاید، شفاعتمن بر او واجب می شود و کسی که شفاعتمن شامل حال وی شود بهشتیتر او واجب می شود). (۲۲) امام رضا (علیه السلام) درباره زیارتامان معصوم (علیهم السلام) می فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيَعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أَمْتَهُمْ شَفَعَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۲۳)؛ (هر امامی را بر گردن دوستان و شیعیانش پیمانی هست، و از علامات و موجبات کمال وفاء به آن پیمان، زیارتقبور ایشان است، پس کسانی که از سر رغبت و شوق به زیارتشان، و برای اثبات صدق رغبت و شوق خود ایشان را زیارتکنند، ائمه ایشان در روز قیامتشفیع آنها خواهند بود). در منابع معتبر روایات از این دست فراوان هستند که مومنین را ترغیب و تشویق به زیارت می کند.

کسب تجربه، دانش و معارف دین:

سفر کردن جهت کسب مهارت و دانش اندوزی در کلام پیشوایان دین بسیار به چشم می خورد و روایات در این باره فراوان است؛ رسول خدا (صلی اللہ علیہ و آله) می فرماید: «مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لَطَالِبِ الْعِلْمِ رِضًا بِهِ وَ أَنَّهُ يَسْتَعْفِرُ لَطَالِبِ الْعِلْمِ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْخَوْتِ فِي الْبَحْرِ وَ فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَايِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النَّجْمِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَ إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوْرَثُوا دِينَارًا وَ لَا دِرْهَمًا وَ لَكِنْ وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ» (۲۴)؛ (کسی که در راهی رود که در آن دانشی کسب کند خدا او را به بهشتزهنمون می شود، همانا، فرشتگان با خرسندی بالهای خویش برای طالب علم می گسترانند و اهل زمین و آسمان و حتی ماهیان دریا برای دانشجو طلب آمرزش می کنند و برتری عالم بر عابد مانند برتری ماه شب چهارده است بر ستارگان دیگر...). رسول گرامی

اسلامدر بیانی دیگر سفر را موجب سود دهی و آگاهی بیشتر می داند: «سَافِرُوا فَإِنَّكُمْ إِنْ لَمْ تَعْنَمُوا مَالًا أَفَدْتُمْ عَقْلًا» (۲۵)؛ (سفر کنید زیرا اگر مالی در سفر به دست نیاوردید، به حتم اندیشه شما زیاد خواهد شد).

برخی مواقع لازم است جهت فراگیری علم و دانش، انسان مسافت های طولانی را طی کند و رنج سفر را به جان بخرد. لذا امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ» (۲۶)؛ (علم را یاد بگیرید حتی اگر در چین باشد یعنی اگر برای یاد گیری علم مجبور باشید این مسافت طولانی را طی کنید، این کار را انجام دهید).

همچنین امیر المومنین (علیه السلام) در دیوان اشعار خود برای مسافرت پنج فایده بر می شمارد که دانش افزایی یکی از آنهاست:

تَعَرَّبَ عَنِ الْأَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى وَ سَافِرٌ فِي الْأَسْفَارِ خَمْسُ فَوَائِدٍ
تَفَرَّجُ هَمٌّ وَ اكْتِسَابُ مَعِيشَةٍ وَ عِلْمٌ وَ آدَابٌ وَ صُحْبَةُ مَا جِدَ
فَإِنْ قِيلَ فِي الْأَسْفَارِ ذُلٌّ وَ مِحْنَةٌ وَ قَطْعُ الْفَيَافِي وَ ارْتِكَابُ الشَّدَائِدِ
فَمَوْتُ الْفَتَى خَيْرٌ لَهُ مِنْ مَعَاشِهِ بِدَارِ هَوَانٍ بَيْنَ وَاشٍ وَ حَاسِدٍ. (۲۷)

برای کسب بلند مرتبگی از وطن خود دور شو و سفر کن که در مسافرت پنج فایده است: برطرف شدن اندوه، بدست آوردن روزی و دانش و آداب زندگی، و هم نشینی با بزرگواران. گویند در سفر رنج و آزمون است و بریدن بیابانها و دیدن سختی هاست. مرد را مرگ بهتر است تا آنکه در خانه خواری و در میان سخن چینان و رشک بران به سرآرد.

پی نوشت:

- (۱). سوره های آل عمران، آیه ۱۳۷؛ انعام، آیه ۶؛ نحل، آیه ۳۶؛ نمل، آیه ۶۹؛ عنکبوت، آیه ۲۰؛ روم، آیه ۴۲؛ سباء، آیه ۱۸.
- (۲). مجموعه ورام، ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مترجم: عطایی، محمد رضا، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹ش.

احکام شرعی

- (۳). ر. ک: المبسوط فی فقه الامامیه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية، قم، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۱۳۲.
- (۴). ر. ک: تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش، چاپ اول، ج ۳، ص ۱۰۲-۱۰۳.
- (۵). ر. ک: سیمای طبیعت در قرآن، رستمی، محمدحسین، موسسه بوستان کتاب، قم، اول، ۱۳۸۵ش، ص ۱۷.
- (۶). پیام قرآن، مکارم شیرازی، ناصر، تهیه و تنظیم: جمعی از فضلا، دار الکتب السلامیه، تهران، ۱۳۸۶ش، چاپ نهم، ج ۱، ص ۴۴۴.
- (۷). الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، چاپ چهارم، ج ۲، ص ۱۵۱.
- (۸). سیمای طبیعت در قرآن، همان، ص ۱۷.
- (۹). الکافی، همان، ج ۲، ص ۱۵۱.
- (۱۰). سیمای طبیعت در قرآن، همان، ص ۱۷.
- (۱۱). نهج الفصاحة، پاینده، ابو القاسم، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش، ص ۵۱۹.
- (۱۲). وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹ق، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۹.
- (۱۳). امالی، طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: مؤسسه البعثة، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق، چاپ اول، ص ۱۹۳.
- (۱۴). من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، محمد بن علی، تحقیق: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق، چاپ دوم، ج ۳، ص ۱۵۶.
- (۱۵). همان، ج ۳، ص ۱۵۷.
- (۱۶). مجموعه ورام، همان، ص ۷۹.
- (۱۷). وسائل الشیعه، همان، ج ۸، ص ۲۵۰.
- (۱۸). الکافی، همان، ج ۴، ص ۲۵۲.
- (۱۹). الکافی، همان، ج ۲، ص ۱۵۱.
- (۲۰). ملکوت اخلاق، اسحاقی، سید حسین، مشعر، تهران، ۱۳۸۵ش، چاپ دوم، ص ۱۷۴.
- (۲۱). الکافی، همان، ج ۴، ص ۵۴۸.
- (۲۲). مرزهای توحید و شرک در قرآن، سبحانی، شیخ جعفر، مشعر، تهران، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۸۲.
- (۲۳). الکافی، همان، ج ۱، ص ۳۴.
- (۲۴). من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۲، ص ۵۷۷.
- (۲۵). مکارم الأخلاق، طبرسی، حسن بن فضل، الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ق، چاپ چهارم، ص ۲۴۰.
- (۲۶). مصباح الشریعة منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم (علیه السلام)، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۰ ق، چاپ اول، ص ۱۳، باب الخامس فی العلم.
- (۲۷). مستدرک الوسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، ۱۴۰۸ق، چاپ اول، ج ۸، ص ۱۱۵.

حکم صله رحم با بستگان گناهکار

پرسش: اگر فردی از بستگان، اهل گناه باشد صله رحم با او چه حکمی دارد؟

پاسخ: هرگاه ادامه رابطه با آنها مفسده داشته باشد و یا ترک آن موجب نهدی از منکر آنان شود می توان موقتاً آن را ترک کرد. در غیر این دو صورت، باید در حدّ واجب صله رحم کرد، و در عین حال امر به معروف و نهی از منکر با زبان خوش فراموش نشود.

حداقل وظیفه افراد برای صله رحم

پرسش: حداقل وظیفه افراد برای صله رحم چقدر است؟

پاسخ: حداقل صله رحم آن است که در عرف گفته شود: «فلان کس با خویشاوندانش ارتباط دارد» و اگر طوری رفتار کند که بگویند: «قطع رابطه کرده» قطع رحم محسوب می شود و بستگان در این رابطه با هم متفاوت هستند: نسبت به پدر و مادر، فرزندی، برادر و خواهر توجه بیشتری باید کرد و نسبت به ارحام دور توجه مختصر کافی است.

حکم قطع ارتباط با اقوام همسر

پرسش: قطع ارتباط شوهر با بستگان زن و بالعکس چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر نسبت فامیلی ندارند کار حرامی نیست اما اختلاف کار شایسته ای نمی باشد.

معیار صله ارحام

پرسش: آیا صله رحم که در اسلام بر آن تأکید شده است، بر اساس روایات دارای معیار خاصی می باشد؟ اگر کسی با نتیجه خواهر و یا برادرم و یا خاله و غیره قطع ارتباط کند، قاطع رحم محسوب می شود؟

پاسخ: معیار صله رحم، داشتن ارتباط و پیوند با آن ها در حدّ متعارف و معمول است؛ البته هر قدر خویشاوندی نزدیکتر باشد رابطه باید بیشتر باشد.

حکم رساندن سلام به دیگری

پرسش: این که می گویند به فلانی سلام برسان، آیا رساندن این سلام واجب است؟

پاسخ: در فرض سوال، واجب نیست.



